



University of Tehran Press

Field of study and political participation

Abraham Salehabadi¹ | Alireza Ghorbani²

1. Department of Social Science, Faculty of Humanities, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail: salehabadi@pnu.ac.ir
<https://orcid.org/0000-0002-5979-2968>

2. Corresponding Author, Department of Social Science, Faculty of Humanities, Payam Noor University, Tehran, Iran. E-mail:
a.ghorbani@pnu.ac.ir <https://orcid.org/0000-0001-8718-8816>

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article Article history: Received 18 March 2022 Received in revised form 10 June 2022 Accepted 16 June 2022 Published online 25 June 2022 Keywords: field of study, elections, electoral preference, reformism, fundamentalism, Iran Word,	There is no independent research on the relationship between the field of study and political participation. In general, and electoral participation in particular, and electoral preference in particular, which disciplines are more active in politics? Which disciplines are more active in politics has been explored by researchers who have not reached the same conclusion. In these studies, less effective mechanisms are mentioned, and the effect of education is examined and analyzed as the effect of the university. This article seeks to examine this important. Research Method: The article is an in-country comparative method. Considering the statistical information of the field of study in 2011, we selected the 2009 and 2013 presidential elections for study and research. An analysis of the contemporary history of Iran and the fields of study of ministers and members of the Islamic Consultative Assembly shows that engineers and students in the fields of technology and engineering, law, and medicine are more active in politics than in other fields. The results of research tests showed: 1. Fields of study: a. Engineering, production, and manufacturing, and b. Social sciences, business, and law in more elections and fields of study. Educational sciences and b. Humanities and Arts c. Services and d. Health and welfare participate less. 2. Field of study a. Engineering, production, and construction, b. Humanities and the art of assets, the tendency of fundamentalism, and a. Social Sciences, Business and Law, and b. Educational sciences have a reformist tendency. 3. There is no specific relationship between mathematics and agriculture, with participation and electoral preference.

Cite this article: Salehabadi, A., Ghorbani, A. (1404). Field of study and political participation *Journal of Sociological Study*

Title. 56 (1). 1-20. DOI: <http://doi.org/00000000000000000000>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

DOI: <http://doi.org/0000000000000000000000>

رشته تحصیلی و مشارکت سیاسی

ابراهيم صالح آبادي^۱ | علي رضا قرباني^۲✉

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: salehabadi@pnu.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: a.ghorbani@pnu.ac.ir

اطلاعات مقاله

حکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

در باره رابطه رشته تحصیلی و مشارکت سیاسی به شکل عام و مشارکت انتخاباتی به صورت خاص و ترجیح انتخاباتی به صورت اخص، تحقیق مستقلی انجام نشده است. این امر که چه رشته‌هایی در سیاست فعال‌تر هستند؛ توسط محققان مورد بررسی قرار گرفته که به نتیجه یکسانی نرسیده‌اند. در این مطالعات کمتر به مکانیسم‌های تأثیرگذاری اشاره شده و اثر تحصیلات را به‌عنوان تأثیر دانشگاه مورد واری و تحلیل قرار می‌دهند. این مقاله درصدد بررسی این مهم است. روش پژوهش مقاله روش تطبیقی درون کشوری است. با ملاحظه اطلاعات آماری رشته تحصیلی سال ۱۳۹۰، ما انتخابات سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ ریاست جمهوری را برای مطالعه و تحقیق انتخاب کردیم. واکاوی تاریخ معاصر ایران و رشته‌های تحصیلی وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد که مهندسان و دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی، حقوق و پزشکی در سیاست فعال‌تر از دیگر رشته‌ها هستند. نتایج آزمون‌های تحقیق نشان

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۲۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۲۵

۱. رشته‌های تحصیلی الف. مهندسی، تولید و ساخت و ب. علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق در انتخابات بیشتر و رشته‌های تحصیلی الف. علوم تربیتی و ب. علوم انسانی و هنر ج. خدمات و د. بهداشت و رفاه (بهبودی) کمتر شرکت می‌کنند.

۲. رشته تحصیلی الف. مهندسی، تولید و ساخت، ب. علوم انسانی و هنر دارای گرایش اصولگرایی و الف. علوم اجتماعی، بازرگان، و حقوق و ب. علوم تربیتی دارای گرایش اصلاح طلب هستند.

۳. رابطه خاصی بین رشته تحصیلی، ریاضی و کشاورزی با مشارکت و ترجیح انتخاباتی وجود ندارد.

کلیدواژه‌ها:

رشته تحصیلی، انتخابات، ترجیح

انتخاباتی، اصلاح طلبی، اصولگرایی،

ایران.

استناد: صالح آبادی، ابراهیم؛ قربانی، علیرضا (۱۴۰۴). رشته تحصیلی و مشارکت سیاسی. مطالعات جامعه شناختی، ۲ (۴)، ۱-۲۰.

DOI: <http://doi.org/00000000000000000000000000000000>

© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

مقدمه

در باره تأثیر رشته تحصیلی بر فعالیت، رفتار سیاسی به شکل عام، مشارکت سیاسی به صورت خاص، جهت گیری و ترجیح انتخاباتی به صورت اخص، تحقیق مستقلی انجام نشده است. تحقیقات انجام یافته در حوزه انتخابات به صورت عام و کلی مطالبی را در باره تأثیرگذاری رشته تحصیلی بر مشارکت سیاسی و انتخاباتی ارائه داده اند. در این مطالعات کمتر به مکانیسم های تأثیرگذاری اشاره شده و اثر تحصیلات را به عنوان تأثیر دانشگاه مورد واری و تحلیل قرار می دهند. بر این اساس، کارکرد اصلی دانشگاه یعنی آموزش علم را به عنوان متغیر اثرگذار بر مشارکت و ترجیح انتخاباتی مورد توجه قرار می دهند. در این بینش، به علم گرایی به عنوان محصول دانشگاه در کنار سایر معرفت های بشری (شناخت هایی که از نهادهای دیگری مانند مدرسه و حوزه علمیه و کلیسا حاصل می گردد) نگریسته می شود و اثرات آن بر رفتار سیاسی تحلیل می شود. اگر ما این بینش برآمده از دانشگاه ها را به عنوان شناخت و معرفتی در نظر بگیریم که با سایر معرفت های بشری تفاوت بنیادی دارد و معیار خود را علمی بودن و تجربی بودن قرار می دهد؛ درحالی که سایر معرفت بشری ممکن است بنا را بر عقلانیت، نقل (سندیت) و شرعیت نهند، این تفاوت می تواند تأثیرات متفاوتی هم بر سایر معرفت ها و هم بر رفتار سیاسی و ترجیح انتخاباتی بگذارد.

با قبول درجاتی از چالش و ناسازگاری میان دو مجموعه از ارزش های علم و دین و تأثیرپذیری آن ها از یکدیگر، اکنون این پرسش مطرح می شود که این چالش به چه شکلی می تواند حل شود و افرادی که با این چالش درگیرند؛ چگونه آن را حل می کنند یا می توانند حل کنند؟ مرور تاریخی چالش علم و دین نشان می دهد که در جریان توسعه علم، در پرتو یافته های گوناگون علمی و فکری چند قرن اخیر، شکل های مختلف دین ورزی پدید آمده است که هر یک، با توجه به تأکیدی که بر سایر اقسام معرفت داشته اند و به میزان توجه و اصالت دادن به عقل و تجربه و نوع آن (رجب زاده، ۱۳۸۱) می تواند بر رفتار سیاسی و ترجیح انتخاباتی اثر بگذارد.

اهمیت دانش، شناخت و تأثیر آن بر سیاست، توسط افلاطون در بحث آرمان شهر وی مطرح شده است. شهریاران فیلسوف در اندیشه افلاطون کسانی هستند که اگر قرار باشد آرمان شهر او تحقق پذیرد؛ می بایست قدرت را در دست بگیرند (احمدوند و بردبار، ۱۳۹۵). تا زمانی که حکیمان حکومت نیابند و یا شهریاران و فرمانروایان این جهان از روح حکمت بهره ور نباشند، ... شهرها و نوع بشر، هرگز از شقاوت و تیره روزی رهایی نخواهند یافت ۲ (افلاطون، ۱۳۷۴: ۴۷۳). آموزش فلسفه به

اسکندر توسط ارسطو در ادامه پذیرش تأثیرگذاری دانش بر سیاست بود. اگر در نزد افلاطون و ارسطو، معرفت و شناخت فلسفی برای حکمرانی ضرورت داشت؛ برای ابن‌خلدون نه تنها ضروری نیست؛ بلکه وی معتقد است که شناخت فلسفی حکمران را از حکمرانی دور می‌نماید. ابن‌خلدون در فصل سی و پنجم کتاب خود (جلد دوم) مدعی است در میان دانشمندان، فقیهان نسبت به همه‌کس از امور سیاست و روش‌های آن دورتر می‌باشند^۱ (ابن‌خلدون، ۱۳۷۵: ۳۲۸). در نزد ابن‌خلدون نظام فکری فقیهان با نظام فکری سایر متفکرین تفاوت اصولی و بنیادی دارد. ابن‌خلدون به‌طور کلی مسائل علمی را از مسائل فلسفی جدا می‌کند (لاکوست، ۱۳۸۶: ۲۲۷).

ماهیت دانش و شناخت بر بینش سیاسی عالمان و اندیشمندان و فعالان سیاسی تأثیرگذار است. این تأثیر در تعامل با عوامل دیگر تأثیر خود را می‌گذارد. به‌عنوان سابقه‌ای از تحلیل‌هایی که بر تأثیر دانش بر بینش سیاسی تأکید دارد؛ می‌توان به تحلیل سه اندیشمند درباره بینش سیاسی عالمان مشروطه اشاره کرد. این اندیشمندان معتقدند که تأثیر دانش در تعامل با عوامل دیگر موجب شکل‌گیری بینش سیاسی و عمل سیاسی آنان گردید. جوادزاده در محدوده اطلاعات تاریخی خود و با استفاده از تحقیقات مختصر پژوهشگران دیگر، عوامل مؤثر در اختلاف بینش سیاسی عالمان مشروطه را بررسی قرار داده است (جوادزاده، ۱۳۸۳). جعفریان نیز با واردکردن نوع شهر، تبیینی از مشروطه در کتاب درک شهری از مشروطه ارائه می‌دهد؛ وی با مقایسه حوزه مشروطه‌خواهی اصفهان و تبریز کوشیده جریان‌های مشروطه را از منظر شهرهای آن دوره ببیند (جعفریان، ۱۳۸۵: ۶۰). فراستخواه (۱۳۹۴) نیز مدعی است که مشروطیت در میانه سه سنت حکمرانی (سنت پادشاهی، سنت اسلامی و سنت دموکراسی‌خواهی) در سه جغرافیای فکری قرار گرفته است. روایت اصفهانی مشروطه عمدتاً در بیوت علما و در میانه آن‌ها با نخبگان ایلی ساخته می‌شد. روایت تهرانی مشروطه بیشتر در مدار مراجع و تجار و نخبگان سیاسی و فرهنگی رقم می‌خورد؛ اما مکتب مشروطه‌خواهی تبریز، در متن واقعی شهر و در میادین و محله‌ها و انجمن‌های خودجوش و خودگردان شهری خطر می‌کرد. هر چه از حوزه اصفهان به حوزه نجف - تهران، و سپس به حوزه تبریز - رشت حرکت می‌کنیم؛ میدان نیروها و کشاکش جریان‌ها بر سر تحول‌خواهی مشروطه شدت می‌گیرد (فراستخواه، ۱۳۹۴). تحلیل‌های فوق نشان می‌دهد که چگونه یک دانش خاص (فقه) در محیط‌های گوناگون می‌تواند پیامدهای متفاوت و متباینی داشته باشد.

این امر که چه رشته‌های در سیاست فعال‌تر هستند؛ توسط محققان مورد بررسی قرار گرفته است (کروگر ۲۰۰۳؛ زارع، ۲۰۱۱؛ لی ۲۰۱۱؛ گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶؛ رز، ۲۰۱۵، ۲۰۱۷؛ زیرا، ۲۰۱۹؛ گرین،

۱۳۸۷؛ زاهد و صادقی، ۱۳۸۸؛ شهریاری، ۱۳۹۳؛ بهمنی طراز، ۱۳۷۹، ۱۳۹۴). گرین در بررسی نوع تحصیلات شرکت‌کنندگان در انقلاب‌ها، با بررسی سابقه تحقیق نشان می‌دهد که دوازده نفر از رهبران چریک‌های تاپامارا که بین سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۱ دستگیر شدند؛ تخصص‌های مهندسی مکانیک و ساختمان داشتند (گرین، ۱۳۸۷: ۸۸). افراد شاخص در انقلاب فرانسه به‌ویژه مردان، صاحب شغل‌های حرفه‌ای رسمی و حقوقدان‌هایی بودند که بیشترین نمایندگان طبقات سه‌گانه در مجلس ملی ۱۷۸۹ را تشکیل می‌دادند (گرین، ۱۳۸۷: ۹۰). ایلول ۲ دریافت که دانشجویان عملگرای فرانسوی اغلب در رشته‌های فلسفه، جامعه‌شناسی و روانشناسی تحصیل می‌کردند و کمتر به نظر می‌رسد که در رشته‌های اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی به رشته‌های غیر عملگرای علوم ریاضی نزدیک بوده‌اند تا به سخن‌گویان سه رشته علوم اول (گرین، ۱۳۸۷: ۱۰۱).

پیشینه پژوهش

از آن جایی که مسئله ما بررسی رابطه مشارکت و ترجیح انتخاباتی با رشته تحصیلی است، مسئله ما نیاز به پاسخ نظری ندارد. آن چه اینجا ضرورت دارد؛ بررسی تجربی واقعیت اجتماعی است نه نظریه‌سازی و نظریه‌آزمایی. همچنین به دلیل (علت) ماهیت مسئله، فرضیه‌سازی نیز اینجا ضرورتی ندارد؛ بنابراین مباحث نظری که اینجا ارائه می‌گردد، جنبه اکتشافی و تبیینی ندارند؛ بلکه بیشتر برای ایضاح و بحث رابطه رشته تحصیلی و مشارکت و ترجیح انتخاباتی و اهمیت این مباحث در بین نظریه‌پردازان و همچنین ارائه مکانیسم‌های تأثیرگذاری است.

اندیشمندان و پژوهشگران به این سمت گرایش دارند تا ماهیت رشته تحصیلی را در تأثیرگذاری بر سیاست مهم قلمداد کنند. رشته‌های علوم انسانی با جهان اجتماعی و سیاسی و رشته‌های علوم طبیعی نظیر مهندسی و پزشکی با طبیعت ارتباط پیدا می‌کند (بهمنی طراز، ۱۳۷۹؛ تصمیمی قطعی، ۱۳۸۸؛ ربانی، ۱۳۸۹؛ شهریاری، ۱۳۹۳؛ سروش، ۱۳۹۴). شیوه انتقادی و شکاکیت در رشته‌های علوم انسانی بیشتر است (ابراهیم پور، ۱۳۹۸: ۱۷۸). رشته‌های علوم انسانی، از مبانی فکری، فلسفی و ارزشی ایرانی و اسلامی برخوردارند و در جهت‌گیری فکری و سیاسی دانشجویان این رشته‌ها تأثیرگذار هستند، امکان پذیرش عناصر و مؤلفه‌های جامعه‌پذیری سیاسی جامعه ایرانی را برای این دانشجویان بیش از دانشجویان دیگر رشته‌ها که کمتر در معرض این مبانی قرار دارند، فراهم می‌آورد (ابراهیم پور، ۱۳۹۸: ۱۷۹). علوم انسانی، علمی نسبی و تکاملی هستند و در این علوم بر شکاکیت و

نسبی‌گرایی دانش تأکید می‌شود، لذا این علوم مدام در حال تغییر هستند و فراگیران در این علوم با تعدد نظریه‌ها و اختلاف‌نظر بین آن‌ها مواجه می‌شوند و این منجر می‌شود که دانشجویان بیشتر به نقد و بررسی بپردازند؛ درحالی‌که در علوم پایه دانش قطعی و مشخص است. از این‌رو، ماهیت متفاوت این علوم ایجاب می‌کند که دانشجویان علوم انسانی بیشتر به سمت موشکافی، نقد، تحلیل و ارزیابی دقیق اطلاعات سوق داده شوند و این امتیازی در جهت بهبود تفکر انتقادی آن‌ها است (یعقوبی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۳؛ فرزین و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۷).

شهریاری با استفاده از نظریه میلبرث و گوئل و با تاسی به نظریات علوم تربیتی و روانشناسی مدعی است که رشته‌های علوم انسانی به دلیل ۱. ارتباط بیشتر با مسائل سیاسی (به دلیل مرتبط بودن رشته تحصیلی آنان به سیاست)، ۲. آگاهی بیشتر نسبت به جهان سیاست و ۳. گفت‌وگوی بحث و مباحثه راجع به سیاست (طرز فکر مطلق‌گرایانه / نسبی‌گرایانه، قطعیت / شکاکیت و ...)، مشارکت سیاسی بیشتری دارند (شهریاری، ۱۳۹۳ ب: ۱۷۲-۱۷۴، ۱۸۴). وی می‌نویسد: علوم انسانی مبتنی بر عدم قطعیت است؛ درحالی‌که قطعیت در علوم طبیعی به نسبت بیشتر احساس می‌شود و نیز آنکه در علوم انسانی تفسیر به‌جای تبیین می‌نشیند، امری که منجر به نسبی‌گرایی بیشتر در این علوم می‌شود. نگاه مطلق‌گرایی رشته‌های علوم طبیعی و مهندسی که ناشی از رشته و روش مطالعاتی خود بوده به حوزه جامعه و سیاست متسری می‌شود؛ بدین شکل که جهان اجتماعی پیرامون خود را نیز این‌گونه مشاهده می‌کنند و نوع تلقی آن‌ها از این امر دوبعدی است نه چندبعدی؛ مطلق‌گرایی نه نسبی‌گرا و ... این در حالی است که به دلیل چندبعدی بودن و عدم قطعیت در رشته‌های علوم انسانی، چندوجهی و چندقطبی دیدن امور و مشاهده کردن علل مختلف یک امر اجتماعی و ... باعث می‌شود که عالم و یا محصل علوم انسانی به یک نوع شکاکیت و نگاهی خاکستری به جهان پیرامون خود نظر بیفکند. دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان علوم فنی از دیدگاهی نسبی برخوردارند که این امر منجر به نگاه متعادلانه و متمایلانه نسبت به گرایش‌ها سیاسی می‌شود (شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۷۲-۷۳).

گامبتا و هرتوگ (۲۰۱۶)، در تبیین حضور بیش از انتظار مهندسان در میان رادیکال‌های اسلام‌گرای خشن، ضمن نقد و بررسی نظریه‌ها و عوامل موثر نظریه خودشان را مطرح می‌کنند. نظریه‌ها و عواملی که نمی‌توانند حضور بیش از انتظار مهندسان را توضیح دهند؛ از این قرارند: انتشار شبکه تقویت‌شده (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۳۲-۳۳). اتصالات شبکه به‌خودی‌خود حضور بیش از حد مهندسان را توضیح نمی‌دهد. ارتباطات شبکه هم‌چنین نمی‌تواند توضیح دهد که چرا

مهندسان کمتر و دانشمندان علوم اجتماعی و دانشجویان علوم انسانی به احتمال زیاد از سازمان‌های رادیکال خارج می‌شوند.

مهارت فنی و مهندسی (استخدام بر اساس مهارت‌های فنی در ساخت بمب و ارتباطات) و نظریه تقاضا که مدعی است استخدام‌کنندگان، اعضای تحصیل کرده‌تر را ترجیح می‌دهند و در میان آن‌ها، افراد واجد مهارت‌هایی فنی که لازمه مبارزه است؛ انتخاب می‌شوند (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۶۲).

ستیزه‌جویی، دین‌داری و سرسختی (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۸۲-۸۴). گامبتا و هرتوگ مدعی هستند دین‌داری معمولاً یک امر شخصی است تا سیاسی و تحقیقات دیگر نیز نشان می‌دهند که محرک رادیکالیسم نیست (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۵۷-۱۵۸).

محرومیت نسبی (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۵۴) و وضعیت آشکار لمپنی افراط‌گرایان اسلامی در غرب (گامبتا و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۳). گامبتا و هرتوگ ضمن پذیرش تأثیر فقر و محرومیت نسبی مدعی‌اند که پرولتاریزه شدن رشته‌های فنی نمی‌تواند رادیکالیسم را توضیح دهد (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۶۰).

طرز فکر مهندسی (گامبتا و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۷) و نبود ظرفیت انتقادی در رشته‌های مهندسی^۱ (گامبتا و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۹) قادر به توضیح این پدیده نیست.

سرکوب (گامبتا و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵-۹۰). سرکوب به‌خودی‌خود نمی‌تواند فراوانی مهندسان را توضیح دهد (گامبتا و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۸).

پیشینه تحصیلی (گامبتا و همکاران، ۱۳۹۵: ۸۵-۹۰).

نظریه جنبش اجتماعی (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۶۲).

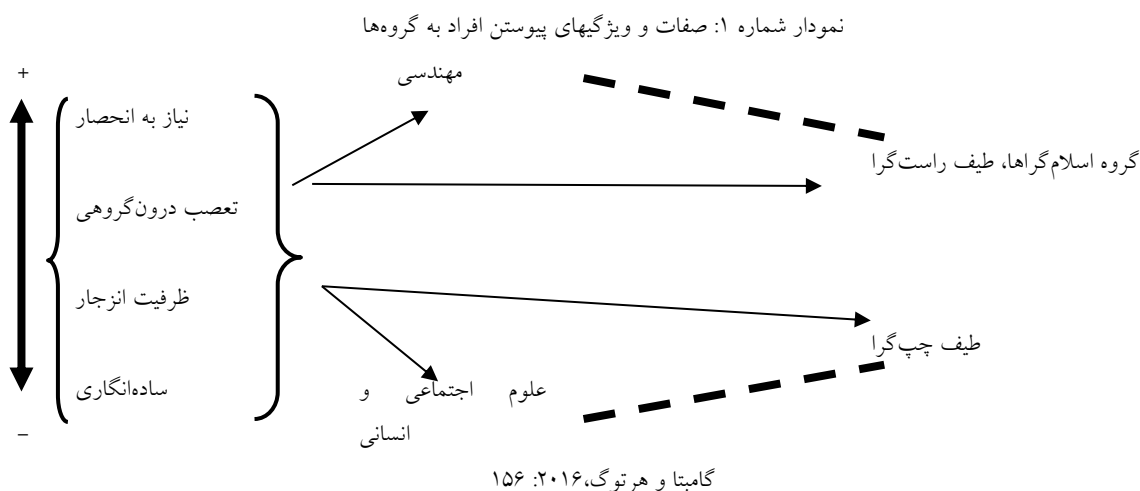
عرضه بیشتر مهندسین برای جنبش‌های رادیکال. یعنی نشان‌دهنده تمایل قوی‌تر مهندسان برای پیوستن به گروه‌های رادیکال است. استخدام‌کنندگان فقط می‌توانند کسانی را که مایل به ثبت‌نام هستند ثبت‌نام کنند. (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۶۲).

از آنجایی که هیچ‌یک از نظریه‌های موجود خشونت سیاسی نمی‌تواند معمای مهندسان (حضور بیشتر در جنبش‌های رادیکال) را توضیح دهند؛ گامبتا و هرتوگ شواهد آزمون شده زیر را در مورد مهندسان و سیاست‌های رادیکال خلاصه کرده‌اند:

مهندسان در جهان اسلام تا حدودی در نتیجه محرومیت نسبی حاد رادیکال می‌شوند.
با این حال، آن‌ها به‌طور نامتناسبی حتی در غیاب آرزوهای نا امید شده رادیکال می‌شوند.

مهندسان در میان جنبش‌های افراطی راست‌گرا در جهان توسعه‌یافته فراوان، اما به‌ندرت در جنبش‌های افراطی چپ‌گرا حضور دارند. فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی به‌طور نامتناسبی به گروه‌های افراطی چپ‌گرا می‌پیوندند؛ اما از هر دو گروه رادیکال راست‌گرا و اسلام‌گرا اجتناب می‌کنند. مهندسان ترجیح می‌دهند به گروه‌های مخالف اسلام‌گرای خشونت‌گرا بپیوندند تا صلح‌جو. مهندسان ترجیح می‌دهند به‌جای این که به گروه‌های چپ‌گرای سکولار و ناسیونالیست مذهبی بپیوندند، به گروه‌های راست‌گرای افراطی بپیوندند. به نظر می‌رسد مهندسان به‌طور قاطعانه‌تری به اهداف خود متعهد هستند (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۲۶-۱۲۷).

گامبتا و هرتوگ بعد از بیان شباهت‌های جنبش‌های رادیکال اسلام‌گرا و جنبش‌های راست‌گرای افراطی (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۶۳) ویژگی‌ها و عناصر اصلی این دو جنبش را به‌قرار زیر مطرح می‌نمایند: استعداد و ظرفیت انزجار (Proneness to disgust)، نیاز به انحصار (Need for closure)، تعصب درون‌گروهی (In-group bias) و ساده‌انگاری (Simplism) (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۵۳). این چهار ویژگی تعیین‌کننده پیوستن افراد به گروه چپ‌گرا و راست‌گرا است. همچنان که در نمودار زیر می‌بینید.



همپوشانی اسلام‌گرایی رادیکال با افراط‌گرایی دست‌راستی و فقدان همپوشانی کامل اسلام‌گرایی رادیکال با ایدئولوژی افراطی چپ‌گرا چشم‌گیر است. این امر نشان می‌دهد که اگر مهندسان به افراط‌گرایی غیر از نوع اسلام‌گرایانه جذب شوند؛ به افراط‌گرایی راست‌گرا می‌پیوندند و نه افراط‌گرایی

چپ‌گرا (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۹۹). این پیوند ثابت بین رشته و ایدئولوژی، فرضیه مهارت‌ها و توضیحات مبتنی بر تقاضا را به‌طور گسترده‌تر ابطال می‌نماید (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۲۶). این نتایج به ما این امکان را می‌دهد که نتیجه بگیریم که بین دانشجویان رشته‌های خاص و انواع خاصی از سیاست‌های رادیکال وابستگی عمیقی وجود دارد (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۲۶). جنبش‌های اسلام‌گرای رادیکال اشتراک زیادی با اصول ایدئولوژیک راست‌گرای رادیکال دارند؛ از جمله نوستالژی برای گذشته‌ای از دست‌رفته، تمرکز بر سنت، ترجیح نظم و سلسله مراتب و وسواس به مرزهای هویتی سفت‌وسخت. در مقابل، اسلام رادیکال تنها چند ویژگی کلی مشترک با چپ افراطی دارد. افراط‌گرایان راست‌گرا و اسلام‌گرا مجموعه‌ای از ارزش‌ها، سلیقه‌ها و باورهای مشترک دارند، از قبیل ارزش‌هایی مانند ضد مدرنیسم، مخالفت با انحطاط فرهنگی و گرایش به پاکی، چه نژادی و چه مذهبی، میل به پاک نگه‌داشتن جامعه یا پاک‌سازی آن، ترجیح نظم اجتماعی و... (گامبتا و هرتوگ، ۲۰۱۶: ۱۵۶ - ۱۶۳).

تحقیقات انجام‌یافته در زمینه واکاوی تأثیرات رشته تحصیلی بر کنش سیاسی و انتخاباتی به نتیجه یکسانی نرسیده‌اند. برخی از تحقیقات مدعی هستند که رشته تحصیلی تأثیری بر پدیده‌های دیگر به‌ویژه کنش سیاسی ۱ ندارند (فلاح، ۱۳۷۶؛ صدیقیان‌بیدگی، ۱۳۸۹؛ ابراهیمی و قادری، ۱۳۹۹: ۳۹؛ فرزین و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۰۲؛ نوربخش و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۳؛ دهقانی و کج‌باف، ۱۳۹۲: ۱۱۲؛ بهمنی‌طراز، ۱۳۷۹ و ۱۳۹۴؛ پالیزیان، ۱۳۹۰؛ درگاهی، ۱۳۹۳؛ کریمی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۶؛ جعفری‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸؛ غفاری‌هشجین و همکاران ۲، ۱۳۸۹). برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که رشته تحصیلی بر پدیده‌های دیگر به‌ویژه کنش سیاسی تأثیر دارد (ابراهیم پور، ۱۳۹۸؛ اخشی و همکاران، ۱۳۹۴؛ امینی و همکاران، ۱۳۹۳؛ انصاری و همکاران، ۱۴۰۰؛ باور، ۱۳۷۴؛ بهمنی‌طراز، ۱۳۷۹؛ تصمیمی‌قطعی، ۱۳۸۸؛ خرمایی و آزادی‌ده‌بیدی، ۱۳۹۵؛ خواجه‌علی‌جهان‌تیغی، ۱۳۹۸؛ ربانی، ۱۳۸۹؛ زارعی و بهشتی‌سرشت، ۱۳۹۸؛ زاهد و صادقی، ۱۳۸۸؛ سروش، ۱۳۹۴؛ شهریاری، ۱۳۹۳ الف؛ شهریاری، ۱۳۹۳ ب؛ ظروفی، ۱۳۹۲؛ غفاری‌هشجین و همکاران، ۱۳۸۹؛ فرزین و همکاران، ۱۳۹۷؛ کریمی و همکاران، ۱۳۹۹؛ کفاشی و همکاران، ۱۳۸۹؛ مسعودنیا و همکاران، ۱۳۸۸؛ مولایی، ۱۳۹۷؛ نوربخش و همکاران، ۱۳۹۶). نتایج تحقیقات فوق به‌قرار زیر است:

۱. بیشترین میزان مشارکت سیاسی در بین دانشجویان گروه تحصیلی علوم انسانی، فنی و مهندسی و کشاورزی (کفاشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵) است. دانشجویان گروه تحصیلی

علوم پایه (کفاشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵) و هنر (کفاشی و همکاران، ۱۳۸۹: ۹۵؛ شهریاری، ۱۳۹۳ ب: ۱۶۷) کمتر از سایر گروه‌ها مشارکت سیاسی دارند. دانشجویان دانشکده علوم پایه کمترین و دانشکده ریاضی بیشترین میزان مشارکت سیاسی را نسبت به بقیه دانشکده‌ها (پایه، ریاضی، ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، فنی و کشاورزی) دارند (مولایی، ۱۳۹۷: ۱۵۲). میزان مشارکت سیاسی گروه علوم انسانی نسبت به گروه‌های فنی و مهندسی و ادبیات و هنر بالاتر است (شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۸۷-۸۸). دانشجویان علوم انسانی به‌ویژه علوم اجتماعی و سیاسی بیشتر تمایل به مشارکت سیاسی دارند (سروش، ۱۳۹۴؛ تصمیمی‌قطعی، ۱۳۸۸؛ شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۱۳۹۳ ب؛ بهمنی‌طرز، ۱۳۷۹ و ربانی، ۱۳۸۹). دانشجویان علوم سیاسی انگیزه زیادتری برای مشارکت سیاسی دارند (غفاری‌هشجین و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۳۲).

۲. مشروعیت سیاسی برای رشته‌های بهداشت و زیست، کاریزماتیک و برای رشته‌های تحصیلی تاریخ و جغرافیا سنتی است (مسعودنیا و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۱۹). دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان دیگر گروه‌های تحصیلی نسبت به مشروعیت قانونی و عقلایی (مدرن)، سنتی و کاریزماتیک تمایل کمتری دارند (شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۹۱). دانشجویان علوم انسانی تمایل بیشتری برای استخراج اصول سیاسی از منبع ارزش‌های مدنی نسبت به دانشجویان فنی و مهندسی دارند (شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۸۹). مبانی قدرت در بین دانشجویان علوم پزشکی نسبت به سایرین دانشجویان رشته‌های دیگر (فنی و مهندسی، علوم پزشکی، ادبیات و هنر و علوم انسانی) اسلامی است. دانشجویان علوم پزشکی نسب به مبانی الهی و اسلامی قدرت سیاسی دیدگاه مثبتی دارند (شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۹۲).

۳. دانشجویان حسابداری تحت تأثیر ارزش‌های رشته تحصیلی خود، ویژگی‌های شخصیتی متفاوتی دارند و این موضوع می‌تواند قضاوت اخلاقی آنان را تحت تأثیر قرار دهد (فرج-زاده‌دهکردی، ۱۳۹۸: ۱۸۱). دانشجویان رشته‌های فنی در مقایسه با دو گروه دیگر (دانشکده هنر و علوم اجتماعی) بیشترین تأثیرپذیری را از ارزش‌های مدرن دارند (انصاری و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۵۵). دانشجویان فنی در مقایسه با دو گروه دیگر (دانشکده هنر و علوم اجتماعی) و دانشجویان علوم اجتماعی در مقایسه با دانشجویان هنر گرایش بیشتری به ارزش‌های مدرن دارند (انصاری و همکاران، ۱۴۰۰: ۹۵۵).

۴. دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی نگرش سیاسی مثبت‌تری به آینده سیاسی و اجتماعی کشور در مقایسه با دانشجویان فنی و مهندسی دارند (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۲).
- نمره میانگین نگرش سیاسی دانشجویان علوم پایه و علوم انسانی تقریباً برابر با یکدیگر و بیشتر از نمره نگرش سیاسی دانشجویان رشته فنی و مهندسی است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۵۲).
۵. نسبت به بقیه دانشکده‌ها (ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، فنی و کشاورزی)، دانشجویان دانشکده علوم پایه کمترین و دانشکده ریاضی بیشترین میزان اعتماد سیاسی را دارند (مولایی، ۱۳۹۷: ۱۵۲).
۶. نسبت به بقیه دانشکده‌ها (ریاضی، ادبیات و علوم انسانی و علوم پایه) دانشجویان دانشکده کشاورزی کمترین و دانشکده فنی بیشترین میزان دانش سیاسی را دارند (مولایی، ۱۳۹۷: ۱۵۳).
۷. دانشجویان رشته علوم انسانی نگرش منفی‌تری نسبت به فعالیت زنان در سیاست داشته‌اند (باور، ۱۳۷۴).
۸. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی از جامعه‌پذیری سیاسی بالاتری نسبت به دانشجویان هنر، علوم پایه و فنی و مهندسی برخوردارند (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۸: ۱۷۹).
۹. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی نسبت به دانشجویان رشته‌های فنی از پذیرش اجتماعی بالاتری برخوردارند (ظروفی، ۱۳۹۲: ۱۰۶).
۱۰. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی و هنر، از سواد رسانه‌ای بالاتری نسبت به دانشجویان علوم پایه و فنی و مهندسی برخوردارند (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۸: ۱۷۸). دانشجویان هنر و معماری، دارای بیشترین میانگین سواد رسانه‌ای و دانشجویان فنی و مهندسی، دارای کمترین میانگین بوده‌اند (ابراهیم‌پور، ۱۳۹۸: ۱۷۱). میانگین سواد اطلاعاتی گروه روان‌شناسی، فنی و مهندسی و علوم تربیتی بالاتر از مدیریت و حسابداری بود (خواجه-علی‌جهان‌تیغی، ۱۳۹۸: ۵۵).
۱۱. دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان دیگر گروه‌های آموزشی از جریان سیاسی متعادل‌تری برخوردارند (شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۹۵).
۱۲. دانشجویان علوم انسانی نسبت به دانشجویان فنی و مهندسی، پزشکی و ادبیات و هنر راجع به هویت مدنی و جهانی تمایل بیشتری برخوردارند (شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۹۵).

۱۳. نمایندگان با تحصیلات مرتبط با رشته‌های اقتصاد و علوم سیاسی حضور پررنگی در اعمال نظارتی دارند (زارعی و بهشتی سرشت، ۱۳۹۸: ۱۴۹).

۱۴. با توجه به نتایج متباین و متفاوت تحقیقات پیشین می‌توان در برخی از نتایج به‌دست‌آمده تشکیک کرد و یافته‌های آن را نامعتبر دانست. ما در حد وسع مقاله به نقد چهار اثر مرتبط می‌پردازیم و یافته‌های آن‌ها را مورد نقد قرار می‌دهیم. مهم‌ترین اثری که درباره رابطه رشته تحصیلی و گرایش سیاسی به‌صورت مستقل انجام‌شده پایان‌نامه آقای شهریار (۱۳۹۰) است که وی در دانشگاه تهران از آن دفاع کرده و دو مقاله از آن استخراج نموده است (۱۳۹۳ الف و ۱۳۹۳ ب). مهم‌ترین نتیجه تحقیق وی این است: بین رشته تحصیلی و گرایش سیاسی همبستگی وجود دارد (شهریار، ۱۳۹۳ الف: ۹۵ - ۹۶). با توجه به آسیب‌ها و نقایصی که در پایان‌نامه و مقالات وی وجود دارد، نتایج مقاله‌های وی (۱۳۹۳ الف، ۱۳۹۳ ب) و پایان‌نامه وی (۱۳۹۰) معتبر نیست. شواهد، مستندات و دلایل زیر برای اثبات ادعای ما ارائه می‌گردد:

۱۵. نمونه مورد تحلیل شهریار معتبر نیست. نمونه وی بر مبنای نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای ۲۶۴ نفر است که در نمونه وی دانشجوی علوم انسانی (۱۰۰ نفر)، فنی و مهندسی (۱۰۷ نفر)، علوم پزشکی (۱۰۹ نفر) و ادبیات و هنر (۴۸ نفر) (شهریار، ۱۳۹۳ ب: ۱۷۷) دانشجویان دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۲ است (شهریار، ۱۳۹۳ ب: ۱۶۴). به دلیل پایین بودن ۴۸ نفر در گروه ادبیات و هنر، نمونه وی معتبر نیست و تعمیم‌یافته‌های وی مشکل‌آفرین است. شهریار داده‌های گم‌شده خویش را اعلام نکرده و مشخص نیست در گروه علوم انسانی با ۱۰۰ نفر، ۷٫۴ درصد چند نفر است. علاوه بر این مشخص نیست که چه رشته‌های تحصیلی را بررسی نموده و مشخص نکرده چرا ادبیات با علوم انسانی یکی نیست. علوم انسانی خیلی گسترده است و مشخص نیست چه رشته‌های مورد بررسی قرار گرفته است: الهیات، اقتصاد، جمعیت‌شناسی، تاریخ، جغرافیا، فلسفه، منطق، حسابداری، مدیریت و... .

۱۶. به نظر می‌رسد متغیر وی نوع دانشکده است نه رشته تحصیلی. از آن جا که وی رشته‌های تحصیلی را به چهار گروه اصلی و به دو حوزه علوم طبیعی و علوم انسانی تقسیم می‌کند (شهریار، ۱۳۹۳ الف: ۶۷)؛ رشته‌های مورد بررسی وی نامشخص است و در پرسشنامه

که به‌وسیله سؤالات بسته پرسیده شده، رشته‌ها اولاً جامع نیست و مثلاً زبان عربی و فرانسوی و غیره را در بر نمی‌گیرد و ثانیاً رشته‌های محصور شده در علوم انسانی ماهیت متفاوتی دارند و برخی شامل علم تجربی نمی‌شوند مانند فلسفه و منطق (البته رشته منطق در گروه‌بندی وی موجود نیست). ثالثاً، تعریف وی از علم تخصصی و دقیق نیست و معنای رایج آن‌ها در نظر می‌گیرد نه معنای تخصصی آن را. در مجموع سنجش رشته تحصیلی وی اعتبار ندارد.^۱

۲. آزمون‌های آماری وی صحیح نیستند. به عنوان مثلی از خروار اشتباهات، تحلیل وی در جدول زیر اشتباه است. وی با ارائه جدول زیر مدعی است که در هر چهار گروه (فنی و مهندسی، علوم پزشکی، علوم انسانی و هنر و ادبیات) بیشترین درصد برای حمایت از شهروندان بدون نگرش طبقاتی است که تفاوتی را بین چهار گروه نشان نمی‌دهد (شهریاری، ۱۳۹۳ الف: ۹۳). آزمون مؤلف ایراد دارد و کای اسکویر جدول ۲۶، ۱۶ است که در سطح ۰،۰۱۰ معنادار است. هم‌چنین جدول مؤلف دارای خانه‌های خالی زیادی است که آزمون‌های وی را با مشکل روبرو کرده است. تأمل در جدول زیر و بازسازی آن نشان می‌دهد که نتایج وی معتبر نیستند.

جدول ۱: توزیع فراوانی حمایت از ... پاسخگویان بر حسب رشته تحصیلی

امر قابل توضیح این که گروه فنی و مهندسی و علوم پزشکی بیشتر از طبقات فقیر حمایت می‌کند و گروه علوم انسانی از طبقات متوسط (مثل بازاریان و کارمندان و ...) و گروه ادبیات و هنر از نخبگان و روشنفکران. مهم‌ترین عیب یافته‌های شهریاری اعتبار بیرونی و ملاک است که در فرازهای بعدی به آن می‌پردازیم.

در تحقیقات دیگر نیز آسیب‌های از این نوع رخ داده است که می‌توان به تحلیل بهمنی طراز اشاره کرد. وی مدعی است که بین رشته تحصیلی و میزان گرایش به دموکراسی رابطه معناداری وجود ندارد (بهمنی طراز، ۱۳۹۴: ۱۵۲). وی جدول زیر را ارائه نموده است.

جدول ۲: توزیع فراوانی فرهنگ سیاسی پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی

	میزان گرایش به دموکراسی				
	جمع کل	خیلی زیاد	زیاد	متوسط کم	کم
علوم انسانی	۱۴۳	۱۷	۳۵	۷۰	۲۱
علوم پایه	۱۲۲	۱۳	۳۵	۵۴	۲۰
رشته‌های تحصیلی	۳۴	۳	۱۲	۱۸	۱
علوم مهندسی	۳۱	۵	۱۴	۱۱	۱
علوم پزشکی	۳۳۰	۳۸	۹۶	۱۵۳	۴۳
جمع کل					

$$\text{Pearson Chi-Square} = 12.872 \text{ df} = 3 \text{ sig} = .۰۱۶۸$$

منبع: بهمنی طراز، ۱۳۹۴: ۱۵۲. درجه آزادی جدول ۹ است که به اشتباه ۳ نوشته شده است.

با تأمل و بازسازی و طبقه‌بندی مجدد داده‌های بهمنی طراز می‌توان گرایش‌های دموکراتیک و غیردموکراتیک را برای رشته‌های تحصیلی تعریف نمود. در این بازسازی، رشته‌های علوم انسانی و علوم پایه غیردموکراتیک و رشته‌های علوم پزشکی و مهندسی دموکراتیک هستند.

جدول ۳: توزیع فراوانی فرهنگ سیاسی پاسخگویان برحسب رشته تحصیلی

	رشته‌های تحصیلی			
	جمع کل	علوم پزشکی و مهندسی	علوم پایه	علوم انسانی
غیردموکراتیک	۵۹/۴٪	۴۷٪/۷	۶۰٪/۷	۶۳/۳٪
دموکراتیک	۴۰/۶٪	۵۲٪/۳	۳۹/۳٪	۳۶٪/۴
جمع کل	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪

$$\text{Pearson Chi-Square} = ۴.۸۳۸ \text{ df} = ۲ \text{ sig} = .۰۰۸۹$$

منبع: بهمنی طراز، ۱۳۹۴: ۱۵۲. این جدول با ترکیب برخی از گزینه‌ها ساخته شده است.

نقدهای نیز به سایر تحقیقات وارد است که به علت طولانی شدن مقاله از ارایه آن می‌پرهیزیم.

روش‌شناسی

روش پژوهش مقاله روش تطبیقی درون کشوری است. در این روش به مقایسه واحدهای اجتماعی (در اینجا واحدهای زمانی - مکانی) مورد نظر پژوهش می‌پردازند. در جمع‌آوری اطلاعات از تکنیک بررسی کتابخانه‌ای شامل کتب، مقالات، تحقیقات، پایان‌نامه‌ها و داده‌های اسنادی ثانویه (دست‌دوم) برآمده از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در طی دو دوره (۱۳۸۲ و ۱۳۹۲) و دیگر داده‌های اسنادی از سایت‌های ذی‌ربط استفاده شده است. جامعه آماری مورد نظر شامل کلیه داده‌های اسنادی در شهرستان‌های کشور است. واحد تحلیل «سال-شهرستان» است که واحدهای سیاسی اجتماعی با حدود و ثغور کاملاً تعریف شده جغرافیایی و مشخصه‌های یک موجودیت سیاسی (یعنی واجد مرجعیت سیاسی یا فرمانداری) و اجتماعی هستند. انتخابات مجلس شورای اسلامی به علت دخالت گرایش‌های قومی، فرهنگی و منطقه‌ای در این سطح قابل بررسی نیست. با ملاحظه اطلاعات آماری درباره رشته تحصیلی سال ۱۳۹۰، ما انتخابات سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ ریاست جمهوری را برای مطالعه و آزمون فرضیه‌های خود انتخاب کردیم.

برای تعریف و تفکیک رشته‌های تحصیلی ما از اطلاعات و داده‌های مرکز آمار ایران و تفکیک رشته‌های تحصیلی آن مرکز برای سال ۱۳۹۰ استفاده نمودیم. مرکز آمار ایران، تمامی رشته‌های تحصیلی را به طبقات زیر تفکیک و تعریف نموده است:

۱. علوم تربیتی
۲. علوم انسانی و هنر
۳. علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق
۴. علوم، ریاضی و کامپیوتر
۵. مهندسی، تولید و ساخت
۶. کشاورزی و دامپزشکی
۷. بهداشت و رفاه (بهبودی)
۸. خدمات
۹. نامشخص و اظهار نشده (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰).

یافته‌های پژوهش

در بررسی رابطه رشته تحصیلی و مشارکت سیاسی و ترجیح انتخاباتی ما نخست با بررسی تاریخ معاصر ایران و سپس با بررسی رشته‌های تحصیلی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزرای کابینه‌ها در جمهوری اسلامی تلاش می‌کنیم تا در حد وسع مقاله نقش رشته تحصیلی را در سیاست نشان دهیم. در نهایت نتایج تحقیق خود را گزارش می‌کنیم.

آبراهامیان در بررسی خود در کتاب مجاهدین ایرانی با مطالعه پیشینه تحصیلی ۶۹ تن از دستگیرشدگان مجاهدین که تقریباً نیمی از اعضای کاملاً متعهد مجاهدین را تشکیل می‌دادند و در سال ۱۳۵۱ مورد محاکمه قرار گرفتند؛ نشان می‌دهد که موقعیت اجتماعی این ۶۹ تن، بسیار مشابه رهبران اصلی سازمان بود. این گروه از نظر شغلی، ۲۷ مهندس، ۲۴ دانشجو (۱۳ تن در رشته مهندسی)، ۴ کارمند دولت (همه با مدرک لیسانس)، ۴ دبیر دبیرستان، ۳ حسابدار، ۲ استاد دانشگاه، ۲ دکتر، ۲ بازاری و ۱ خیاط سابق که به‌عنوان راننده قطار استخدام شده بود. از نظر آموزشی همگی - به جز ۳ تن - تحصیلات دانشگاهی داشتند، اکثراً در دانشگاه تهران و یا دانشگاه صنعتی آریامهر تحصیل کرده‌اند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۱۶۱). آبراهامیان هم‌چنین در بررسی رشته تحصیلی ۱۳۰ تن از کشته‌شدگان مجاهدین (اسلامی و مارکسیست) که در سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۸ کشته شده‌اند؛ نشان می‌دهد ۶۹ تن دانشجو - ۳۷ نفر در رشته مهندسی -، ۴۳ تن شاغل و کارمند یقه‌سفید، ۱۷ تن مهندس، ... بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۲۱۴). کشته‌شدگان هر دو مجاهدین (مسلمان و مارکسیست)، نقاط مشترک زیادی داشتند؛ اما در ترکیب اجتماعی آن‌ها سه تفاوت ظریف وجود دارد^۱:

۱. اول: تعداد مهندسین در میان مجاهدین مسلمان چشمگیر است. از ۸۳ تن از کشته‌شدگان مجاهدین مسلمان، تقریباً نیمی مهندس، دانشجوی رشته‌های پزشکی، علوم انسانی، اجتماعی و آموزشی بودند. کمتر از یک‌پنجم در رشته‌های پزشکی، انسانی، علوم اجتماعی و آموزشی بودند. اما از ۴۷ تن از کشته‌شدگان مجاهدین مارکسیست، کمتر از یک‌سوم مهندس، دانشجوی رشته مهندسی و یا دانشجویهای رشته‌های مشابه بودند. بیشتر از نیمی از آنان در رشته‌های پزشکی، آرشیتکت، علوم انسانی، علوم اجتماعی و آموزشی سرگرم کار بودند.

۲. دوم، زنان درصد ناچیزی از کشته‌شدگان مجاهدین مارکسیست را تشکیل می‌دهند؛ اما یک‌سوم کشته‌شدگان مجاهدین مارکسیست شامل زنان می‌شد.

۱. قابل ذکر است با تامل در یافته تحقیق گامبیتا و هرتوگ (۲۰۱۶) و آبراهامیان، می‌توان شباهت‌هایی را میان آن‌ها رصد کرد.

۳. سوم، زمینه‌ها و سابقه خانوادگی طبقه متوسط سنتی در مجاهدین مسلمان بیشتر آشکار بود (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۲۱۴-۲۱۷).

به لحاظ طبقاتی، اکثریت مجاهدین از قشر روشنفکر بودند، به‌ویژه روشنفکران حقوق‌بگیر طبقه متوسط و نیز آن‌هایی که پتانسیل حقوق‌گیری‌شدن را داشته‌اند. از ۶۷۵۸ کشته‌ای که شغل آن‌ها مشخص شده، ۲۸۴ تن (۴۲ درصد) به این رده تعلق داشتند. آن‌ها ۱۶۵۳ دانشجوی، ۵۱۲ آموزگار، ۲۱۴ کارمند، ۹۰ مهندس و ۱۳ تن از حرفه‌های دیگر را شامل می‌شدند (آبراهامیان، ۱۳۸۶: ۲۸۸). آبراهامیان همچنین نشان می‌دهد که غالباً رشته‌های فنی در پیوستن به مجاهدین انگیزه بالایی داشتند. وی با بررسی مشاغل چریک‌های کشته‌شده نشان می‌دهد که دانشجویان و مهندسان اکثریت را دارند. جدول زیر این مطلب را نشان می‌دهد.

جدول ۴: مشاغل چریک‌های کشته‌شده

فدایی	مجاهدین	مجاهدین	دیگر	دیگر گروه‌های	جمع
۷۳	۳۰	۱۵	۱۴	۷	۱۳۹
۱	۰	۰	۰	۷	۸
۱۷	۵	۳	۱	۱	۲۷
۱۹	۱۴	۲	۱		۳۶
۷	۴	۰	۱	۸	۲۰
۳		۰	۳	۰	۶
۴	۰	۰	۱	۰	۵
۱۱	۶	۲	۱	۰	۲۰
۸	۳	۲	۱	۰	۱۴
۵	۰	۰	۰	۰	۵
۰	۲	۰	۰	۱	۳
روحانی	۱				۱
کارگر	۲	۱	۷	۰	۲۲
ناشناخته	۶	۵	۸	۴	۳۵
جمع کل	۷۳	۳۰	۳۸	۲۸	۳۴۱
زن	۷	۸	۲	۰	۳۹

منبع استخراج داده: آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۵۹۳

بررسی مشاغل نخستین رهبران حزب ایران نیز نشان می‌دهد که رشته‌های تحصیلی فنی و مهندسی در آن غلبه دارند. از ۱۵ نفر نخستین رهبران حزب ایران، ۶ نفر آن‌ها در رشته مهندسی، ۴ نفر در رشته حقوق فعال بودند، ۲ کارمند و پزشک، استاد علوم سیاسی و استاد ادبیات هرکدام ۱ نفر

بودند (آبراهامیان: ۱۳۸۴: ۲۳۷). مهندسان علاوه بر حزب ایران در احزاب دیگر نیز فعال بودند (آبراهامیان: ۱۳۸۴: ۲۳۲ - ۲۳۶). از ۲۰ بنیان‌گذار جبهه ملی، ۸ نفر در رشته حقوق، ۴ کارمند، ۳ روزنامه‌نگار، ۲ نفر مهندس، ۲ روحانی و یک نفر زمین‌دار بودند (آبراهامیان: ۱۳۸۴: ۳۱۴). نفوذ حزب توده در بین مهندسان، استادان دانشگاه و دانشجویان، روشنفکران به‌ویژه نویسندگان... بسیار آشکار بود (آبراهامیان: ۱۳۸۴: ۴۰۷). رشته تحصیلی دستگیرشدگان احزاب فعال قبل از انقلاب نیز نشان می‌دهد رشته فنی و مهندسی بر سایر رشته‌ها غلبه دارند. از ۱۸۳ فعال حزبی که در بهمن ۱۳۲۱ به همراه رهبران حزبی دستگیر شدند و جرم‌شان تلاش برای ترور بود، ۷۱ کارگر کارخانه، ۳۲ کارمند، ۱۶ دانش‌آموز دبیرستانی، ۱۲ مکانیک، ۱۲ مهندس، ۷ زن خانه‌دار، ۶ کتاب‌فروش و روزنامه‌فروش، ۵ نویسنده، ۴ دست‌فروش، ۳ آموزگار، ۳ قهوه‌چی، ۲ پزشک، یک حقوق‌دان، یک عکاس، یک خیاط و یک دهقان بودند (آبراهامیان: ۱۳۸۴: ۴۰۳). از ۱۶۸ فعال حزبی که در تابستان ۱۳۳۰ به جرم سازمان‌دهی تظاهرات دستگیر شدند، ۶۱ دانش‌آموز، ۳۲۵۸ کارگر، ۱۸ کارمند، ۱۷ آموزگار، ۴ روزنامه‌نگار، ۳ مهندس، ۲ کارگر کشاورزی، یک پزشک، یک روحانی، یک دست‌فروش، یک صنعتگر و یک سازمان‌دهنده حزبی تمام‌وقت هستند (آبراهامیان: ۱۳۸۴: ۴۰۳).

مهندسان در اعتراض و اعتصاب نیز در اکثریت بودند. چند ماه پس از پیروزی اعتصابات، اعتصاب تکنسین‌های بخش معدن و کارخانه‌های وزارت پیشه و هنر در فروردین ۱۳۲۲، مهندسان هوادار حزب توده، رهبران انجمن مهندسان را به دلیل همکاری نزدیک با حزب ایران به باد انتقاد گرفت و با کناره‌گیری از این انجمن سندیکای مهندسان و تکنسین‌ها را تشکیل دادند (آبراهامیان: ۱۳۸۴: ۴۰۷). بررسی رشته تحصیلی افرادی که در سازمان‌های چریکی و نظامی شرکت داشته‌اند؛ نیز نشان می‌دهد که مهندسان در تشکیل آن‌ها نقش بسزایی داشته‌اند. برای نشان دادن این مطلب می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف) سازمان فدایی: دو گروه، گروه اول توسط ۵ دانشجوی دانشگاه تهران: بیژن جزنی (دانشجوی علوم سیاسی و عضو حزب توده)، عباس سورکی (دانشجوی علوم سیاسی و عضو حزب توده)، علی‌اکبر صفایی‌فراهانی (دانشجوی رشته مهندسی)، محمد آشتیانی (دانشجوی رشته حقوق) و حمید اشرف (دانشجوی رشته مهندسی و عضو حزب خلیل ملکی). صفایی‌فراهانی و آشتیانی بعد از نفوذ ساواک و فروپاشی به لبنان و در جنبش الفتح فعالیت کردند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۵۹۷). در گروه دوم دو دانشجوی مشه‌دی مقیم تهران، مسعود احمدزاده در رشته ریاضی دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) به مارکسیسم روی آورد. امیر پرویزپویان رشته ادبیات دانشگاه ملی تهران به مارکسیسم

کاسترویی روی آورد. این دو در دوران دبیرستان به جبهه ملی پیوسته بودند (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۵۹۸).

ب) سازمان مجاهدین: ۶ تن از اعضای پیشین نهضت آزادی و تازه فارغ التحصیل دانشگاه تهران عبارتند از: محمد حنیف نژاد (مهندس ماشین‌های کشاورزی)، سعید محسن (رشته تأسیسات دانشگاه تهران)، محمد عسکری زاده (رشته بازرگانی)، رسول مشکین فام (رشته مهندسی کشاورزی دانشگاه تهران)، علی اصغر بدیع‌زادگان (استاد جوان شیمی) و احمد رضایی (روشنفکر معلم دبیرستان) (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۶۰۳). سازمان مجاهدین اغلب از بین دانشجویان رشته‌های علوم طبیعی - از پلی‌تکنیک تهران، دانشکده فنی و مهندسی، دانشکده کشاورزی و دانشگاه صنعتی آریامهر (شریف) عضوگیری می‌کرد؛ ولی سازمان فدایی بیشتر دانشجویان هنر، علوم انسانی و علوم اجتماعی - دانشکده‌های هنر، ادبیات، اقتصاد، حقوق و علم سیاسی و تربیت معلم - را جذب کرد (آبراهامیان، ۱۳۸۴: ۶۰۷).

بررسی رابطه بین رشته تحصیلی و فعالیت سیاسی در ایران، بدون توجه به مهم‌ترین کانون و نقطه عطف این رابطه، یعنی تاریخ دانشکده فنی دانشگاه تهران بیهوده به نظر می‌رسد. فراستخواه مولف کتاب تاریخ هشتادساله دانشکده فنی دانشگاه تهران: داستان یک خانواده، داستان یک سرزمین، چنین می‌نویسد: تاریخ دانشکده فنی دانشگاه تهران، تاریخ یک دانشکده و یک دانشگاه نیست؛ تاریخ یک سرزمین و یک ملت است. تاریخ سیاست و مدنیت و مدرنیت ایرانی است (فراستخواه، ۱۳۹۳: شانزده). تا قبل از انقلاب بیشتر استادان در دانشکده فنی سمت‌های حکومتی داشتند (فراستخواه، ۱۳۹۳: ۱۰۰) و بعد از انقلاب اسلامی نیز در نظام سیاسی ایران فعال بودند؛ مانند حضور در دولت موقت (فراستخواه، ۱۳۹۳: ۱۰۹-۱۱۲). نقش این دانشکده را می‌توان در جنبش ملی ایران ۱ و جنبش چپ ایران ۲ و جنبش دانشجویی ۳ نیز مشاهده کرد (فراستخواه، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۰۹). فراستخواه بر اساس مطالعه، مصاحبه و مشاهده خود مدعی است که فنی‌ها دو سنت اصلی داشتند: سنت درس خواندن و سنت سیاست ورزیدن (فراستخواه، ۱۳۹۳: ۱۴۷). این دانشکده در دو دوره سیاسی‌تر از همه بود، یکی دوره پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و یکی هم حوالی سال ۱۳۴۷ تا انقلاب. گرایش به فعالیت سیاسی ضد رژیم در دانشکده فنی نسبت به سایر دانشکده‌ها خیلی بیشتر بود؛ به‌طوری‌که می‌گفتند دانشکده فنی لانه زنبور است (فراستخواه، ۱۳۹۳: ۱۵۰).

همچنان که ملاحظه می‌گردد بر خلاف ادعای شهرداری (۱۳۹۰، ۱۳۹۳، الف، ۱۳۹۳ ب) که مدعی است رشته‌های علوم انسانی مشارکت سیاسی بیشتری نسبت به فنی و مهندسی دارد و هم میانه‌رو هستند، تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که رشته‌های فنی و مهندسی نه تنها سیاسی‌تر، به معنی رادیکال‌تر؛ بلکه در فعالیت سیاسی میانه‌روتر نیز حضور بیشتری دارند. بنابراین می‌توانیم در یافته‌ها و نتایج تحقیق شهرداری شک و شبهه وارد نماییم. برای اینکه درباره اعتبار و پایایی نتایج تحقیق شهرداری زود قضاوت نکنیم؛ شواهد و قرائن دیگری را از میزان فعالیت سیاسی رشته‌های تحصیلی در تاریخ ایران ارایه می‌کنیم.

واکاوی و تحلیل ساختار سیاسی ایران (موقعیت‌های مرتبط با قدرت) نشان می‌دهد که برخی از رشته‌های تحصیلی بیشتر از رشته‌های دیگر فعالیت سیاسی داشته‌اند. این امر را درباره رشته‌های تحصیلی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و وزرای کابینه‌های دولت ۱ نشان می‌دهیم. جدول زیر توزیع فراوانی نمایندگان مجلس شورای اسلامی ایران را بر حسب رشته‌های تحصیلی آن‌ها در مجالس یازده‌گانه ایران نشان می‌دهد.

جدول ۶: توزیع فراوانی رشته‌های تحصیلی نمایندگان مجلس یازده‌گانه

رشته تحصیلی	اول	دوم	سوم	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نهم	دهم	یازد	مجم	در
ادبیات فارسی	۶،۹	۶،۶	۴،۳	۴،۲	۱،۹	۲،۹	۰،۹	۰،۷	۰،۶	۰،۹۵	۱،۵	۵۶	۲،۳
زبان خارجه	۵،۰	۸،۴	۵،۱	۳،۰	۲،۳	۲،۹	۴،۶	۰،۷	۳،۱	۱،۹	۱،۵	۶۱	۲،۵
تاریخ، جغرافیا، جامعه	۶،۹	۳،۷	۳،۴	۲،۴	۲،۳	۴،۴	۴،۳	۴،۶	۵،۲	۶،۹	۹،۷	۱۲۹	۵،۳
حقوق	۱۵،	۹،۴	۸،۶	۷،۲	۷،۶	۱۰،	۱۴	۳۹	۸	۷	۱۲	۲۷۶	۱۱،
علوم سیاسی	۰،۶	۰،۹	۳،۴	۴،۸	۸،۱	۷،۳	۱۳	۷۶	۱۸	۸۴	۱۱،	۱۸۵	۷،۶
فلسفه، الهیات،	۱۴،	۱۰،	۴،۳	۶،۰	۷،۱	۶،۲	۶۶	۵۴	۸/۲	۶۷	۱۵،	۱۹۸	۸،۱
علوم تربیتی و	۷،۵	۴،۷	۲،۵	۱،۸	۲،۸	۲،۲	۸۲	۴۲	۲/۳	۶۴	۰،۳	۵۴	۲،۲
مدیریت	۱،۲	۲،۸	۱،۷	۱۰،	۲۲،	۲۰،	۰،۹	۲	۲۶	۰،۸	۱۸	۴۶۲	۱۸،
اقتصاد، حسابداری	۲،۵	۲،۸	۳،۴	۴،۸	۴،۲	۵،۸	۵۷	۵/۵	۵/۹	۷۶	۵،۲	۱۲۶	۵،۱
پزشکی	۱۲،	۴،۷	۹،۴	۱۵،	۱۰	۱۲،	۴۹	۳۹	۴۴	۶	۱۲	۲۸۵	۱۱،
علوم پایه	۱۰،	۱۲،	۹،۴	۹،۷	۷،۶	۶،۲	۸۴	۱۱۲	۲۶	۴۹	۳،۳	۱۵۹	۶،۵
کشاورزی علوم	۰	۵،۶	۳،۴	۷،۲	۳،۸	۴،۰	۶۵	۹۱	۲۶	۸۱	۰،۳	۸۸	۳،۶
فنی و مهندسی	۱۳،	۲۷،	۴۰،	۲۳،	۱۹،	۱۴،	۶۸	۱۷	۹۱۸	۱۱	۸،۶	۳۷۱	۱۵،

جدول ۶: توزیع فراوانی رشته‌های تحصیلی نمایندگان مجلس یازده‌گانه

رشته تحصیلی	اول	دوم	سوم	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نهم	دهم	یازده	مجم	در
جمع	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۲۴۵	۱۰
جمع تعداد	۱۵۸	۱۰۶	۱۱۶	۱۶۵	۲۱۰	۲۷۲	۲۷۴	۲۸۱	۳۰۵	۳۱۵	۲۶۷		

منبع: برای دوره‌های اول تا پنجم زارعی و فوزی، ۱۳۹۵: ۱۲۰ و دوره‌های ششم تا دهم فوزی و زارعی، ۱۳۹۶: ۱۰۳؛ برای دوره یازدهم محاسبات نویسنده.

۱- به لحاظ اینکه بیش از نیمی از نمایندگان مجلس یازدهم در ادوار مختلف مجلس خدمت کرده‌اند، جمع تعداد

حضور ۴۶۲ نماینده دارای رشته تحصیلی مدیریت (۱۸,۹ درصد)، ۳۷۱ نماینده واجد رشته تحصیلی فنی و مهندسی (۱۵,۱ درصد)، ۲۸۵ نماینده در رشته تحصیلی پزشکی (۱۱,۶ درصد) و ۲۷۴ نماینده دارای رشته تحصیلی حقوق نشان‌دهنده اهمیت این چهار رشته تحصیلی در مناصب نمایندگی کشور است.

علاوه بر مناصب سیاسی نمایندگی مجلس، میتوان نقش و حضور رشته‌های تحصیلی وزرای کابینه‌ها را نیز واریسی نمود. جدول زیر توزیع فراوانی وزرا را برحسب رشته تحصیلی آن‌ها در چهارده کابینه دولت بعد از انقلاب نشان می‌دهد. قابل ذکر است که تفکیک رشته‌های تحصیلی در جدول زیر بر اساس رشته تحصیلی دوره ماقبل دیپلم است و سطح دانشگاهی را نشان نمی‌دهد.

جدول ۷: رشته تحصیلی هیئت‌وزیران جمهوری اسلامی ایران به تفکیک دولت‌ها

اعضای کابینه	علوم تجربی و	علوم	ریاضی و	علوم	الهیات	نامشخص	جمع
بازرگان	۲۰/۷	۴۱/۴	۳۴/۵	.	.	۳/۵	۲۹
شورای انقلاب	۱۹/۱	۱۹/۱	۴۲/۹	.	۱۴/۳	۴/۸	۲۱
رجایی	۱۷/۴	۳۰/۴	۳۴/۸	۴/۴	۱۳	.	۲۳
باهنر	۹/۵	۲۳/۸	۴۷/۶	۴/۸	۱۴/۳	.	۲۱
مهدوی کنی	۹/۱	۲۲/۷	۵۴/۶	۴/۶	۹/۱	.	۲۲
کابینه اول موسوی	۱۲/۸	۲۵/۶	۴۳/۶	۲/۶	۱۰/۳	۵/۱	۳۹
کابینه دوم موسوی	۱۰/۷	۲۱/۴	۴۶/۴	۷/۱	۷/۱	۷/۱	۲۸
کابینه اول هاشمی	۱۵/۶	۲۸/۱	۴۶/۹	.	۹/۴	.	۳۲
کابینه دوم هاشمی	۹/۴	۳۱/۳	۵۰	.	۶/۳	۳/۱	۳۲
کابینه اول خاتمی	۸/۸	۳۵/۳	۳۸/۲	۲/۹	۱۴/۷	.	۳۴
کابینه دوم خاتمی	۱۱/۸	۴۷/۱	۲۹/۴	۲/۹	۸/۸	.	۳۴
کابینه اول	۸/۹	۴۸/۹	۳۳/۳	۲/۲	۶/۷	.	۴۵
کابینه دوم	۱۱/۹	۴۰/۹	۳۱	.	۱۱/۹	۴/۸	۴۲
کابینه اول روحانی	۸/۶	۵۴/۳	۲۵/۷	.	۸/۶	۲/۹	۳۵
جمع کل (تعداد)	۵۳	۱۵۴	۱۷۰	۹	۴۱	۱۰	۴۳۷

جمع کل (درصد) ۱۲/۱۲ ۳۵/۲۴ ۳۹/۱۳ ۲/۰۵ ۹/۳۸ ۲/۲۸ ۱۰۰

منبع: بروجردی و رحیم‌خانی، ۱۴۰۱: ۱۶۱

در رابطه با رشته تحصیلی و به عبارتی نوع تخصص هیئت‌وزیران در دوره چهارم ساله جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت، از ۴۳۷ وزیر ۱۷۰ نفر دارای رشته ریاضی و مهندسی (۳۹،۱۳ درصد)، ۱۵۴ نفر دارای رشته علوم انسانی (۳۵،۲۴)، ۵۳ نفر در رشته علوم تجربی و پزشکی (۱۲،۱۲)، ۴۱ نفر در رشته الهیات (۶،۳۸) و ۹ نفر نیز دارای تخصص در رشته نظامی (۲،۰۵) بوده‌اند. در کابینه مهدوی‌کنی و کابینه دوم هاشمی‌رفسنجانی بیش از نیمی از وزرا در رشته ریاضی و مهندسی و در کابینه اول روحانی بیش از نیمی از وزرا (۵۴،۳) در رشته علوم انسانی تحصیل کرده‌اند. جدول زیر جزئیات بیشتری را درباره پنج کابینه دولت نشان می‌دهد. در این جدول رشته‌های تحصیلی بر اساس رشته‌های تحصیلی دانشگاهی از هم تفکیک شده‌اند.

جدول ۸: رشته تحصیلی هیئت‌وزیران جمهوری اسلامی ایران به تفکیک دولت‌ها (۱۳۸۸ - ۱۳۶۸)

رشته تحصیلی	کابینه اول هاشمی	کابینه دوم هاشمی	کابینه اول	کابینه دوم	کابینه اول احمدی‌نژاد	مجموع
تعداد	۱۲	۱۴	۱۱	۱۰	۹	تعداد
درصد	۴۲،۴۲	۵۶	۳۶،۳۶	۳۰،۳۰	۲۷،۲۷	درصد
فنی و	۱۲	۱۴	۱۱	۱۰	۹	۴۲،۴۲
پزشکی	۴	۲	۲	۲	۱	۸،۳۳
کشاورزی	۱	۱	۱	۱	۰	۳،۷۸
مدیریت و	۲	۱	۳	۴	۱۳	۱۷،۴۲
حقوق و علوم	۰	۱	۰	۰	۳	۳،۰۳
سایر	۲	۳	۵	۴	۲	۱۲،۱۲
حوزوی	۴	۲	۵	۳	۲	۱۲،۱۲
نامشخص	۱	۰	۰	۰	۰	۰،۷۵
جمع	۲۶	۲۴	۲۷	۲۴	۳۱	۱۳۲

منبع: رضانی، ۱۳۸۹: ۷۳

در رابطه با رشته تحصیلی و به عبارتی نوع تخصص هیئت‌وزیران در این دوره بیست و چهار ساله جمهوری اسلامی ایران می‌توان گفت، در کابینه علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی در طول هشت سال ریاست جمهوری او، ۵۳،۱۶ درصد وزرا تحصیل‌کردگان رشته‌های فنی و مهندسی می‌باشند. در سال‌های ریاست جمهوری سید محمد خاتمی، شاهد کاهش تعداد وزرای دارای تحصیلات فنی و مهندسی و افزایش وزرا و رجال برخوردار از تحصیلات علوم انسانی، حوزوی، مدیریت و اقتصاد هستیم. در دولت محمود احمدی‌نژاد برخلاف دوره‌های قبل در ترکیب هیئت دولت در سطح هیئت‌وزیران بر تعداد رجال برخوردار از تخصص اقتصادی و مدیریتی افزوده شده است (رضانی،

۱۳۸۹: ۷۸). تخصص غالب وزیران کابینه هاشمی رفسنجانی، فنی و مهندسی، کابینه خاتمی، فنی و مهندسی به همراه رشته‌های علوم انسانی و کابینه محمود احمدی‌نژاد مدیریت و اقتصاد است (رمضانی، ۱۳۸۹: ۹۱).

در بررسی رابطه بین رشته تحصیلی و ترجیح انتخاباتی، ما از آزمون همبستگی استفاده می‌کنیم. به‌عنوان نمونه، ما میزان آرای هر شهرستان را با میزان افراد آن رشته تحصیلی (دانشجو، دانش‌آموخته، شاغل، بیکار و کل افراد آن رشته) تقاطع می‌نماییم. به عبارت دیگر، با توجه به تفکیک مرکز آمار ایران از رشته‌های تحصیلی و انواع آن (دانشجو، دانش‌آموخته، شاغل، بیکار و کل) که در سطح نسبی (scale) سنجیده شده و میزان مشارکت انتخاباتی، آرای باطله و آرای نامزدهای اصولگرایی و اصلاح‌طلبی که این موارد نیز در سطح نسبی اندازه‌گیری شده‌اند؛ بهترین آزمون برای برقراری پیوند میان آن‌ها، آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون است. قابل ذکر است که با عنایت به این که سنجش متغیرها در سطح نسبی (بالاترین سطح سنجش) قرار دارند؛ با استفاده از تقلیل و تحویل داده‌ها به سطوح نازل‌تر سنجش (رتبه‌ای یا اسمی)، می‌توان از سایر آزمون‌ها نیز برای واریسی فرضیه‌ها استفاده نمود از قبیل مقایسه میانگین‌ها و جداول توافقی و ... برای تحلیل داده‌های تحقیق استفاده از این آزمون‌ها که متخصصان روش‌شناسی به هیچ وجه آن را توصیه نمی‌کنند؛ خواناترین و قابل فهم‌ترین شکل تحلیل، دوشقه کردن متغیر مستقل و تشکیل گروه‌های است که آن گروه، یک صفت را در بالاترین و پایین‌ترین میزان آن دارا هستند. از طریق این دوشقه‌کردن می‌توان مقایسه میانگین‌ها را ارایه نمود. قابل ذکر است که نتایج چنین آزمونی، بازنمایی نتایج آزمون همبستگی است. ذکر این نکته نیز اهمیت دارد که به دلیل دفن‌شدن برخی داده‌ها در چاله‌های تحلیلی و از دست رفتن مقداری از واریانس متغیرها در این تبدیل و تحول، نتایج دیگرگونه، متضاد و متعارض با آزمون همبستگی، نشان دهنده امکان کاذب بودن نتایج آزمون‌های سطح پایین‌تر است. در این مقاله ما تنها نتایج معنادار آزمون مقایسه میانگین‌ها را ارایه می‌کنیم. جداول زیر ضرایب همبستگی بین میزان افراد واجد رشته مدیریت و میزان مشارکت انتخاباتی، میزان آرای باطله، میزان آرای اصولگرایی و اصلاح‌طلبی را در انتخابات سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ ریاست جمهوری نشان می‌دهد.

جدول ۹: ضریب همبستگی میزان رشته‌های تحصیلی و میزان مشارکت و آرای باطله و گرایش انتخاباتی

رشته	اصلاح‌طلبی	اصولگرایی	اصلاح‌طلبی	اصولگرایی	آرای	مشارکت	مشارکت
دانشجو	-۰.۷۱	۰.۷۰	-۰.۷۹	۰.۸۱	-۰.۶۵	-۰.۶۸	-۰.۰۷
دانش‌آموخته	۰.۱۵۸**	-۰.۱۶۰**	۰.۱۸۶**	-۰.۱۹۱**	۰.۱۹۴**	۰.۰۵۱	-۰.۰۶۴
شاغل	۰.۱۴۰**	-۰.۱۴۲**	۰.۱۶۳**	-۰.۱۶۵**	۰.۱۱۶*	۰.۰۵۶	-۰.۱۴۰*
بیکار	۰.۱۱۹*	-۰.۱۱۹*	۰.۱۲۴*	-۰.۱۳۲*	۰.۲۵۵**	-۰.۰۰۵	-۰.۱۲۱*

کل ۱۱۳* ۰۱۱۵* ۰۱۳۰* ۰۱۳۴* ۰۱۳۵* ۰۲۰ ۰۰۹۷

جدول فوق نشان می‌دهد بین میزان افراد بیکار و شاغل رشته تحصیلی خدمات و مشارکت انتخاباتی سال ۱۳۸۸ رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. میزان آرای باطله سال ۱۳۸۸ با میزان افراد بیکار، شاغل، دانش‌آموخته و کل رشته تحصیلی خدمات رابطه مستقیم و معناداری دارد و رابطه بین این میزان و آرای اصولگرایی در سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ معکوس و معنادار و با آرای اصلاح‌طلبی سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ مستقیم و معنادار است. در مجموع رابطه بین رشته تحصیلی خدمات و میزان مشارکت انتخاباتی معکوس است و با افزایش این رشته تحصیلی در میان کل افراد شهرستان دانش‌آموخته، دانشجوی، شاغل و بیکار، آرای باطله افزایش می‌یابد. به عنوان نتیجه می‌توان گفت رشته تحصیلی خدمات دارای گرایش اصلاح‌طلبی و ضد اصول‌گرایی است. در ادامه برای صرفه‌جویی و جلوگیری از طولانی شدن مقاله، نتایج آزمون‌ها را بدون جداول آن ارائه می‌دهیم.

۱. رابطه بین رشته تحصیلی بهداشت و میزان مشارکت انتخاباتی معکوس و با افزایش این رشته در میان کل افراد شهرستان (دانش‌آموخته، دانشجوی، شاغل و بیکار)، آرای باطله افزایش می‌یابد. رشته تحصیلی بهداشت دارای گرایش اصلاح‌طلبی و ضد اصول‌گرایی است.
۲. بین رشته تحصیلی کشاورزی و مشارکت و ترجیح انتخاباتی رابطه خاص و معناداری وجود ندارد.
۳. رابطه بین رشته تحصیلی مهندسی و میزان مشارکت انتخاباتی معکوس و با افزایش این رشته در میان کل افراد شهرستان (دانش‌آموخته، دانشجوی، شاغل و بیکار)، آن، آرای باطله افزایش می‌یابد. رشته تحصیلی بهداشت دارای گرایش اصلاح‌طلبی و ضد اصول‌گرایی است.
۴. رابطه بین رشته تحصیلی مهندسی و میزان مشارکت انتخاباتی مستقیم است. رشته تحصیلی مهندسی دارای گرایش اصولگرایی و ضد اصلاح‌طلبی است.
۵. رابطه بین رشته تحصیلی ریاضی و میزان مشارکت انتخاباتی سال ۱۳۸۸ مستقیم و سال ۱۳۹۲ معکوس و معنادار است و با افزایش این رشته در میان کل افراد جامعه آرای باطله کاهش می‌یابد. رشته تحصیلی ریاضی دارای گرایش اصلاح‌طلبی و ضد اصول‌گرایی است.
۶. رابطه بین رشته تحصیلی علوم اجتماعی و میزان مشارکت انتخاباتی مستقیم و با افزایش این رشته در میان کل افراد شهرستان (دانش‌آموخته، دانشجوی، شاغل و بیکار) آرای باطله

افزایش می‌یابد. رشته تحصیلی علوم اجتماعی دارای گرایش اصول‌گرایی و ضد اصلاح‌طلبی است.

۷. رابطه بین رشته تحصیلی علوم انسانی و میزان مشارکت انتخاباتی معکوس و با افزایش این رشته در میان کل افراد شهرستان آرای باطله افزایش می‌یابد. رشته تحصیلی علوم انسانی دارای گرایش اصول‌گرایی و ضد اصلاح‌طلبی است.

۸. رابطه بین رشته تحصیلی علوم انسانی و میزان مشارکت انتخاباتی معکوس و با افزایش این رشته در میان کل افراد شهرستان آرای باطله افزایش می‌یابد. رشته تحصیلی علوم تربیتی دارای گرایش اصلاح‌طلبی و ضد اصول‌گرایی است.

۹. هم‌چنان که قبلاً اشاره کردیم، برای فهم و درک بهتر رابطه بین رشته تحصیلی و مشارکت و ترجیح انتخاباتی، از مقایسه میانگین‌ها استفاده کردیم. بر این اساس ما شهرستان‌های کشور را به دو گروه شهرستان تقسیم کردیم^۱: ۱. شهرستان‌های با بالاترین میزان افراد یک‌رشته تحصیلی و ۲. شهرستان‌هایی با پایین‌ترین میزان افراد آن رشته تحصیلی. نتایج مقایسه میانگین‌ها نشان داد:

۱. میانگین مشارکت انتخاباتی شهرستان‌هایی که واجد بیشترین افراد ۱. علوم تربیتی، ۲. علوم انسانی و هنر و ۳ بهداشت و رفاه (بهریستی) هستند، کمتر از شهرستان‌هایی است که کمترین میزان این‌گونه افراد را دارا هستند.

۲. میانگین مشارکت انتخاباتی شهرستان‌هایی که واجد بیشترین افراد ۱. علوم اجتماعی و ۲. مهندسی، تولید و ساخت هستند، بیشتر از شهرستان‌هایی است که کمترین میزان این‌گونه افراد را دارا هستند.

۳. میانگین مشارکت سایر رشته‌ها تفاوت معناداری باهم ندارند.

۴. میانگین آرای باطله در شهرستان‌هایی زیاد است که در آنجا افراد دارای رشته تحصیلی ۱. خدمات، ۲. بهداشت و رفاه (بهریستی) و ۳. علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق زیاد و رشته علوم انسانی و هنر کم است.

۵. میانگین آرای اصول‌گرایی (میزان آرای احمدی‌نژاد، قالیباف و جلیلی) در شهرستان‌هایی زیاد است که در آنجا افراد واجد رشته تحصیلی علوم انسانی و هنر زیاد است.

۶. میانگین آرای اصلاح‌طلبی (میزان آرای موسوی و کروبی) در شهرستان‌هایی زیاد است که در آن شهرستان، افراد دارای رشته تحصیلی ۱. علوم تربیتی، ۲. خدمات، ۳. بهداشت و رفاه (بهبودی) و ۴. علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق زیاد هستند.

همچنان که گفتیم، نتایج تحلیل مقایسه میانگین‌ها در راستا و بازنمایی نتایج آزمون همبستگی است و ما برای فهم بهتر و گویایی بیشتر آن را ارائه نمودیم. جدول زیر نتایج آزمون‌های فوق را نشان می‌دهد.

جدول ۱۰: نتایج آزمون رابطه بین رشته تحصیلی و مشارکت و ترجیح انتخاباتی

رشته	مشارکت انتخاباتی	اصلاح‌طلب یا اصولگرا
علوم تربیتی	غیر مشارکتی	اصلاح‌طلب
علوم انسانی و هنر	غیر مشارکتی	اصولگرا
علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق	مشارکتی	
علوم، ریاضی و کامپیوتر	منفعل	
مهندسی، تولید و ساخت	مشارکتی	
کشاورزی و دامپزشکی	غیر مشارکتی	اصولگرا
بهداشت و رفاه (بهبودی)	مشارکت منفی	
خدمات	مشارکت منفی	اصلاح‌طلب

توضیحات: معنای اصطلاحات در انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ و ۱۳۹۲ به قرار زیر است:

مشارکتی: شهرستان‌های واجد میزان بالا/پایینی از افراد یک‌رشته، مشارکت بالا / پایینی داشته‌اند.

غیرمشارکتی: شهرستان‌های واجد میزان بالا/پایینی از افراد یک‌رشته، مشارکت پایین / بالایی داشته‌اند.

مشارکت منفی: شهرستان‌های واجد میزان بالا/پایینی از افراد یک‌رشته، آرای باطله بالا / پایینی داشته‌اند.

اصلاح‌طلب: شهرستان‌های واجد میزان بالا / پایینی از افراد یک‌رشته، آرای بیشتر / کمتری به نامزد اصلاح‌طلبی داده‌اند.

اصولگرا: شهرستان‌های واجد میزان بالا / پایینی از افراد یک‌رشته، آرای بیشتر / کمتری به نامزد اصولگرایی داده‌اند.

در این بخش از مقاله تلاش می‌کنیم پیامدهای دیگر رشته‌های تحصیلی را نشان دهیم. با توجه به این که برخی از متغیرها و عواملی که بر مشارکت و ترجیح انتخاباتی تأثیر دارند؛ تحت تأثیر رشته تحصیلی نیز قرار دارند، در ادامه مقاله رابطه عوامل و متغیرهای فوق را با رشته تحصیلی واکاوی می‌کنیم. این بخش از مقاله ممکن است از منظر کسانی که به مبانی نظری و نظریه‌ها مسلح باشند؛ آسیب در نظر آید و امری بیهوده و عبث جلوه کند؛ چراکه هیچ‌کدام از عوامل و متغیرها، منبعث و ملهم از نظریه‌ای نیست. این متغیرها به دلایلی از جمله این که در دسترس بودند و در سرشماری

سال ۱۳۹۵ به وسیله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سنجیده شده است^۱، انتخاب شده‌اند. همان سالی که رشته تحصیلی نیز توسط مرکز آمار ایران در سرشماری سنجیده و اطلاعات آن منتشر گردید. درباره عوامل مؤثر بر مشارکت و ترجیح انتخاباتی رشته‌های تحصیلی، با ملاحظه داده‌های در دسترس توانستیم برخی از عوامل را شناسایی نماییم. نحو اکتشاف و شناسایی ما این گونه بود که بر مبنای فرض‌های خود عمل کردیم. به عنوان نمونه، بر اساس این فرض که افراد دارای رشته‌های تحصیلی خاص بر اساس میزان دین‌داری خود فعالیت سیاسی می‌کند؛ ما ادعای زیر را مورد آزمون قرار دادیم: شهرهایی با میزان بالای افراد رشته خاص نسبت به شهرهایی با میزان پایین آن رشته خاص، میزان دین‌داری متفاوتی دارند. ما این تفاوت معنادار را به عنوان رابطه در نظر گرفتیم و جهت آن را نیز معلوم نمودیم. تحلیل نشان داد:

۱. بین رشته مهندسی و ریاضی نسبت به رشته علوم تربیتی و علوم انسانی در زمینه دین‌داری تفاوت مهمی و اساسی وجود دارد. با افزایش میزان رشته‌های علوم تربیتی و علوم انسانی در شهرهای کشور میزان دین‌داری نیز افزایش می‌یابد و با افزایش میزان رشته‌های مهندسی و ریاضی در شهرهای کشور میزان دین‌داری کاهش می‌یابد.
۲. در شهرهایی که رشته‌های مهندسی و ریاضی بالایی دارند؛ تمایل به انتخاب گزینه اصلاح تدریجی وضع فعلی زیادتر و در شهرهایی که رشته علوم تربیتی بالایی دارند؛ تمایل بیشتری برای انتخاب گزینه تغییر اساسی وضع فعلی (رادیکالیسم) وجود دارد.
۳. شهرهای که در آن‌ها رشته علوم انسانی زیادتری هستند؛ رضایت از خدمات و عملکرد سازمانی بالاتری نیز وجود دارد. در شهرهای که در آن‌ها رشته علوم اجتماعی، بهداشت و مهندسی بالایی دارند؛ رضایت از خدمات و عملکرد سازمانی پایین‌تری دارند.
۴. شهرهای که در آن‌ها رشته علوم تربیتی و علوم انسانی بالاتری دارند؛ عضویت انجمنی زیادتری را تجربه می‌کنند. در شهرهای که در آن‌ها رشته مهندسی و بهداشت بالایی دارند؛ عضویت انجمنی پایین‌تری دارند.
۵. شهرهای که در آن‌ها رشته علوم اجتماعی و خدمات زیادتر هستند؛ میزان رضایت زیادتری را تجربه می‌کنند و برعکس در شهرهای که در آن‌ها رشته علوم انسانی، کشاورزی و مهندسی بالایی دارند؛ میزان رضایت پایین‌تری دارند.

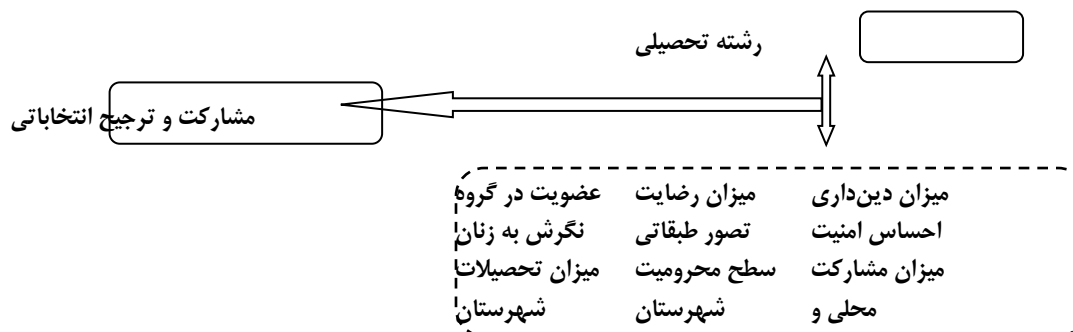
۶. در شهرهایی که رشته‌های مهندسی بالایی دارند؛ تعامل با همشهری‌ها و غیر همشهری‌ها پایین‌تر است و در شهرهایی که رشته علوم تربیتی بالایی دارند؛ تعامل با همشهری‌ها و غیر همشهری‌ها بالاتر است. مهندسان در تعامل با همشهری‌ها کمتر حضور داشته‌اند. در مقابل مربیان (رشته‌های علوم تربیتی) اعتماد بیشتر، رفت‌وآمد بیشتر و کمک و یاری بیشتری با همشهری‌ها و غیر همشهری‌ها داشته‌اند.
۷. با افزایش میزان رشته‌های علوم تربیتی و علوم اجتماعی در شهرهای کشور مشارکت محلی نیز افزایش می‌یابد و با افزایش میزان رشته‌های مهندسی، بهداشت و ریاضی مشارکت محلی در شهرهای کشور کاهش می‌یابد.
۸. شهرهای که در آن‌ها رشته علوم تربیتی و علوم انسانی بالاتری دارند؛ طبقات بالا، متوسط جدید و کارگر دولتی، کمتری داشته و طبقه متوسط سنتی فراوان‌تری دارند. در مقابل در شهرهای که در آن‌ها رشته مهندسی و بهداشت و تا حدودی ریاضی بالاتری دارند؛ طبقات بالا، متوسط جدید و کارگر دولتی و خصوصی بیشتری دارند و طبقه متوسط سنتی نحیف است. این امر برای دو طبقه حاکم و نظامی و رشته تحصیلی نیز صادق است. شهرهای واجد میزان بالایی از رشته‌های بهداشت و مهندسی، طبقه حاکم و نظامی بیشتری داشته و شهرهای واجد رشته علوم انسانی، واجد کمتری از طبقه حاکم و نظامی هستند.
۹. شهرهای واجد بالایی از رشته مهندسی خود را بیشتر متعلق به طبقه متوسط و کمتر متعلق به طبقه پایین می‌دانند و شهرهای واجد بالایی از رشته‌های علوم تربیتی خود را متعلق به طبقه پایین و کمتر خود را متعلق به طبقه متوسط می‌دانند.
۱۰. شهرهای دارای بیشترین میزان در رشته‌های علوم تربیتی و انسانی بیشترین برخورد با ناهمنوایی‌ها را دارند و در این زمینه تذکر می‌دهند و شهرهای که دارای بیشترین میزان رشته‌های مهندسی، ریاضی، بهداشت و علوم اجتماعی هستند؛ بیشترین تساهل را با ناهمنوایی‌ها دارند، به این معنا که تمایل بیشتری به گزینه اشکالی ندارد دارند.
۱۱. در شهرهای که رشته‌های مهندسی، ریاضی و بهداشت دست بالا را دارند؛ زنان مزاحمت بیشتری را تجربه می‌کنند و در شهرهای دارای بیشترین میزان از رشته علوم انسانی و تربیتی، زنان مزاحمت کمتری را متحمل می‌شوند.
۱۲. شهرهای که رشته‌های مهندسی، ریاضی و بهداشت دست بالا را دارند؛ سطح تحصیلات شهرستان در سطح بالایی است و در شهرهای دارای بیشترین میزان رشته علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، خدمات و کشاورزی، سطح تحصیلات شهرستان پایین است.

۱۳. در شهرهای که رشته‌های مهندسی، ریاضی و بهداشت فراوان‌تری دارند؛ سطح محرومیت شهرستان در سطح پایینی است و در شهرهایی که دارای بیشترین میزان از رشته علوم انسانی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی، خدمات و کشاورزی هستند؛ سطح محرومیت شهرستان در سطح بالایی است.

۱۴. در شهرهای که رشته مهندسی در آن شهر دست بالا را دارد؛ افراد آن شهر امنیت پایینی را احساس می‌کنند.

۱۵. نمودار زیر یافته‌های تحقیق را نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۱: تاثیرات تعاملی رشته تحصیلی و برخی از عوامل موثر بر مشارکت و ترجیح انتخاباتی



بحث

مشارکت سیاسی در جامعه به عوامل گوناگونی بستگی دارد: فقر، فلاکت، محرومیت، تورم، سطح توسعه‌یافتگی، شهرنشینی، صنعتی‌شدن، ساختار طبقاتی، میزان دین‌داری، نوع مذهب، قومیت، سرمایه اجتماعی و سطح تحصیلات و ... (میلبرث و گوئل، ۱۳۸۷؛ معمار، ۱۳۹۱؛ صالح‌آبادی، ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ الف؛ ۱۳۹۹ ب؛ حیدرآبادی و صالح‌آبادی، ۱۳۹۳؛ ۱۳۹۹). تأثیر برخی از عوامل در تعامل با دیگر متغیرها کاهش یا افزایش و حتی ممکن است خنثی گردد. تأثیر رشته تحصیلی بر فعالیت سیاسی، در نظر ما، در وهله نخست، به نوع جامعه و نوع نظام سیاسی بستگی دارد. میزان توسعه‌یافتگی جامعه میزان مشارکت سیاسی را مشخص می‌کند. نظام‌های سیاسی دارای سطح پایین نهادمندی و سطح بالای اشتراک، نظام‌های هستند که نیروهای اجتماعی‌شان یک‌راست و با روش‌های خودشان در صحنه سیاسی عمل می‌کنند. یک چنین نظام‌هایی سیاسی را که هانتینگتون جوامع سیاسی پراتوری خوانده (هانتینگتون، ۱۳۷۵: ۱۲۰) است؛ نشان می‌دهد در جامعه پراتوری، افراد غیرشاغل و غیر متخصص در سیاست به دلایل و انگیزه‌های متفاوتی در فعالیت‌هایی سیاسی

مشارکت می‌کنند. تأثیر رشته تحصیلی بر فعالیت سیاسی، به اهمیت علم در جامعه بستگی دارد. اینگلهارت با تفکیک جوامع به جوامع سنتی، صنعتی و فراصنعتی یا جوامع کشاورزی، صنعتی و پسا صنعتی (نوریس و اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۹۳) مدعی است که اهمیت علم در جامعه به نوع جامعه بستگی دارد. وی با همکار خود نشان می‌دهند که در جوامع اسلامی، نسبت به جوامع فراصنعتی سکولار، اهمیت دانش و علم بیشتر است (نوریس و اینگلهارت، ۲۰۰۴: ۶۷). این امر می‌تواند تأثیرات مهمی بر سیاست و تأییدی برای نظریه گامبیتا و هرتوگ (۲۰۰۹، ۲۰۱۶؛ گامبیتا و همکاران، ۱۳۹۵) درباره مهندسان جهادگر در کشورهای اسلامی باشد. تحقیقات انجام‌شده در حوزه کشورهای غیردموکراتیک و اسلامی، نقش علم و دانش را در افزایش احتمال مشارکت افراد در خشونت سیاسی و فعالیت‌های انقلابی مسلحانه علیه استبداد نشان می‌دهند (رز، ۲۰۱۷؛ اسدزاده، ۲۰۲۲: ۱۴۳).

علاوه بر نوع جامعه، میزان اهمیت علم در آن و نوع نظام سیاسی، مدرنیزاسیون نیز در این حوزه تأثیراتی خاص خود را گذاشته است. رجب‌زاده مدعی است که مدرنیزاسیون ۱ در شرایط خاص ایران شرط لازم برای شکل‌گیری حکومت اسلامی بوده است. در این نظریه، مدرنیزاسیون (۱) با تفکیک نیروهای نظامی از نیروهای سیاسی و تبدیل تقابل بین نیروهای نظامی (تقابل نظامی) به تقابل نیروهای سیاسی (تقابل سیاسی) و (۲) بورکراتیزگی؛ موجب شد که روحانیت به‌عنوان نیروی سیاسی جدید در چهارچوب دولت - ملت، مدعی قدرت گردند و قدرت را به دست بگیرند و حکومت تشکیل دهند (رجب‌زاده، ۱۳۷۷: ۵۸).

تحقیقات انجام‌شده درباره پیوستن افراد تحصیل‌کرده به شکل عام (رز، ۲۰۱۷؛ اسدزاده، ۲۰۲۲؛ کروگر و ملک‌آوا، ۲۰۰۳؛ لی، ۲۰۱۱) و مهندسان به صورت خاص (گامبیتا و هرتوگ، ۲۰۰۹، ۲۰۱۶) به گروه‌های سیاسی رادیکال بیشتر درباره گروه‌های تروریستی است. رز (۲۰۱۷) مدعی است که بذر رادیکالیزه‌شدن، حداقل از لحاظ فکری، در کلاس درس کاشته می‌شود (رز، ۲۰۱۷: ۴۹).

تحقیقات انجام یافته در ایران در باره رابطه رشته تحصیلی با فعالیت سیاسی، دارای نتایجی هستند که با برخی از یافته‌های این مقاله هماهنگ نیستند. در نقد سابقه تحقیق بایستی این امر را در نظر بگیریم که نتایج تحقیقات بایستی معتبر و پایا باشند. تحقیق شهریاری به‌عنوان یک کار مدون و مستقل در این میان، علاوه بر نقدها و آسیب‌های زیاد آن، با واقعیت ایران مطابقت ندارد. وی مدعی است که رشته‌های علوم انسانی نسبت به سایر رشته‌های تحصیلی مشارکت سیاسی زیادتری دارند و حتی از جریان سیاسی متعادل‌تر و میانه‌ای برخوردار هستند. تجربه زیسته مؤلف مقاله کنونی با یافته

شهریاری مغایرت دارد و شاید تجربه زیسته بیشتر دانش‌آموخته‌های دانشگاهی و دانشجویان در ایران با این عقیده مؤلف همراه باشند که رشته‌های علوم انسانی نسبت به بقیه رشته‌ها کمتر سیاسی هستند و انگیزه کمی برای مشارکت سیاسی دارند. هر چند تجربه و مشاهدات شخصی نویسنده نمی‌تواند جای شواهد تجربی تحلیل علمی را بگیرد؛ اما این ادراکات می‌تواند توسط شواهد تجربی و مستندات علمی تأیید گردند. واکاوی تاریخ معاصر ایران نشان می‌دهد که مهندسان و دانشجویان رشته‌های فنی و مهندسی، حقوق و پزشکی در سازمان‌های چریکی ایران بیش از دیگر رشته‌ها حضور دارند. حضور بیشتر آن‌ها در سیاست‌های رادیکال به معنای عدم حضور آن‌ها در حوزه‌های دموکراتیک نیست. در این زمینه نیز تحقیق نشان داد که این رشته‌ها در احزاب و تشکلهای سیاسی نیز حضور پررنگی دارند. بررسی حضور رشته‌های تحصیلی در مناصب سیاسی از قبیل کابینه‌های دولت و نمایندگی مجلس شورای اسلامی نشان داد که این رشته‌ها (فنی و مهندسی، حقوق و پزشکی) نسبت به سایر رشته‌ها در سیاست فعال‌تر هستند. بنابراین تحقیق شهریاری علاوه بر عیوب و آسیب‌های دیگر، اعتبار بیرونی ندارد.

تحقیق نشان می‌دهد که رشته تحصیلی بر فعالیت سیاسی تأثیر بسزایی دارد. در مجموع نتایج آزمون‌های همبستگی و مقایسه میانگین‌ها درباره رابطه بین رشته‌های تحصیلی و میزان مشارکت و ترجیح انتخاباتی به‌قرار زیر است:

۱. رشته‌های تحصیلی ۱. مهندسی، تولید و ساخت و ۲. علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق در انتخابات بیشتر شرکت می‌کنند. شهرهایی که در آن رشته‌های تحصیلی مهندسی، تولید و ساخت بیشتر هستند؛ میزان آرای نامزدهای اصولگرایی بیشتر و شهرهایی که در آن رشته‌های تحصیلی علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق بیشتر هستند؛ میزان آرای نامزدهای اصلاح‌طلبی بیشتر است. به عبارت دیگر، رشته تحصیلی علوم اجتماعی، بازرگانی و حقوق دارای گرایش اصلاح‌طلبی و رشته تحصیلی مهندسی، تولید و ساخت، دارای گرایش اصولگرایی هستند.

۲. رشته‌های تحصیلی ۱. علوم تربیتی و ۲. علوم انسانی و هنر کمتر در انتخابات شرکت می‌کنند. گرایش رشته علوم تربیتی اصلاح‌طلبی و علوم انسانی اصولگرایی است. افراد دارای رشته علوم انسانی در انتخابات بیشتر به نامزدهای اصولگرایی (احمدی‌نژاد) و افراد دارای رشته علوم تربیتی بیشتر به نامزدهای اصلاح‌طلبی (موسوی) رأی داده‌اند.

۳. رشته‌های تحصیلی ۱. خدمات و ۲. بهداشت و رفاه (بهزیستی) کمتر در انتخابات شرکت می‌کنند و در صورت شرکت در انتخابات آرای باطله و سفید می‌اندازند. این دو

رشته تحصیلی دارای گرایش اصلاح طلبی و متمایل به اصلاح طلبی است. جهت رابطه این دو رشته تحصیلی با میزان آرای اصولگرایی معکوس و معنادار است.

۴. رابطه خاصی بین رشته تحصیلی ۱. ریاضی و ۲. کشاورزی و مشارکت انتخاباتی وجود ندارد. رشته ریاضی به صورت ضعیفی به اصولگرایی متمایل است.

واکاوی بیشتر نشان داد که تأثیر رشته تحصیلی بر مشارکت و رفتار سیاسی در تعامل با عوامل دیگری از قبیل میزان دینداری، میزان تساهل، میزان رضایت، میزان عضویت در گروه‌ها، مشارکت محلی، احساس امنیت، تصور طبقاتی و سطح تحصیلات و ... است.

نتیجه‌گیری

تحلیل‌های بیشتر نشان داد که تأثیر رشته تحصیلی بر مشارکت و رفتار سیاسی با عوامل دیگری مانند میزان دینداری، میزان مدارا، میزان رضایت، میزان عضویت در گروه‌ها، مشارکت محلی، احساس امنیت، ادراک طبقاتی و سطح تحصیلات و غیره در تعامل است.

References

- Ansari, M. R. , Kazemipour, S. and Mohseni, R. (2021). Sociological study of the status of modern identity and religious identity among students of the University of Tehran. *Social Studies and Research in Iran*, 10(3), 949-973. (In Persian)
- Amini, Mohammad; Rahimi, Hamid; Mazrouei, Hassan (2014), Analysis and evaluation of national and religious identity of students of Kashan University and Kashan Medical Sciences, *Culture in Islamic University*, Year 4,3: 413-434. (In Persian)
- Amini, S. (2015). A study of the geography of voting patterns in Iran (with emphasis on the 7th to 11th presidential elections), *Quarterly Journal of Socio-Cultural Strategy*, Year 4, Issue 17: 159-179.
- Amini, P. (2009). *Sociology of June 12; The Tenth Presidential Election in the Mirror of Reality*, Tehran: Saqi Publications. (In Persian)
- Akhshi, N. and Golabi, F. (2015). Social Happiness and Social Participation. *Journal of Applied Sociology*, 26(3), 139-160. (In Persian)
- Ahmadvand, S. & Bordbar, A. R. (2016). Effects of the Ancient Iranian Ideal-Kingship Theory on Plato's Philosopher King. *Political Strategic Studies*, 5(18), 9-33. (In Persian)
- Abrahamian, Y. (2003). *Confessions of the Tortured: Prisons and Public Expression of Regret in Modern Iran*, translated by Reza Sharifha, Sweden: Baran Publishing (published in English: 1999). (In Persian)

- Abrahamian, Y. (2005). *Iran Between Two Revolutions*, translated by Ahmad Golmohammadi and Mohammad Ebrahim Fattahi, Tehran: Ney Publishing House. (In Persian)
- Abrahamian, Y. (2007). *Radical Islam of the Iranian Mujahideen*, translated by Farhad Mahdavi, Germany: Nima Publication date in English: 1989, Yale University. (In Persian)
- Asadzade, P. (2022). Higher education and violent revolutionary activism under authoritarianism: Subnational evidence from Iran. *Conflict Management and Peace Science* 39:2, 143-165.
- Abrahamian, E. (1989), *the Iranian Mojahedin*. New Haven: Yale University Press.
- Alivandi, Vafa, M. (2005), *Investigation the relationship between critical thinking with academic achievement of Tabriz University students*, Tabriz Tabriz University.
- Asadzade, P. (2022), *Higher education and violent revolutionary activism under authoritarianism: Subnational evidence from Iran*. *Conflict Management and Peace Science*, Pp 39:2, 143-165.
- Boroujerdi, M., Rahimkhani, K. (2018), *Post-revolutionary Iran: A Political Handbook*, New York: Syracuse University Press.
- Bavar, Y. (1995). *Studying the effect of the socio-economic status of Shiraz University students on their attitudes towards women's political participation*, Master's thesis, Sociology, Faculty of Social Sciences, Shiraz University. (In Persian)
- Bahmani Taraz, Gh. (1999). *Studying the factors affecting students' political participation in Bu-Ali Sina and Hamadan Medical Sciences Universities*, Master's thesis, Sociology, Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University. (In Persian)
- Bahmani Taraz, Gh.(1995). *Studying the level of tendency towards democratic political culture among the new middle class and the factors affecting it (Case study: university professors and high school teachers in Hamadan)*, PhD thesis, Political Sociology, Faculty of Psychology and Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. (In Persian)
- Campante, Filipe R., Chor, D. (2012), *why was the Arab World Poised for Revolution? Schooling, Economic Opportunities, and the Arab Spring*, *Journal of Economic Perspectives*, Volume 26, Number 2, Pages 167–188.
- Dargahi, H. (2014) *Investigating the impact of social capital on political participation of students at Babol Azad University*, Master's thesis in Sociology, Islamic Azad University, Babol Branch. (In Persian)

- Dehghani, A., Kajbaf, M. B. (2013). The Relationship between Coping Styles and Hardiness among Students. (2013). *Knowledge and Health in Basic Medical Sciences*, 8(3):112-118. (In Persian)
- Ebrahimi, S. and ghaderi, S. (2020). The relationship creativity with achievement student's girl and boy majoring at Humanities, Mathematics and Science. *Pouyesh in Humanities Education*, 6(21), 39-52. (In Persian)
- Farastkhah, M. (2014). Eighty-Year History of the Faculty of Engineering, University of Tehran: The Story of a Family, the Story of a Land, Taran: Ney Publishing House. (In Persian)
- Farastkhah, M. (2015). Urban Spaces and Dynamics in Constitutionalism, Mehrnameh, Year 6, No. 43, pp. 145-147. (In Persian)
- Farazadeh Dehkordi, H. (2019). How Personality and Gender Relate to Ethical Judgment of Accountants: Evidence based on Discipline. *Aapc*, 4 (7) :181-208. (In Persian)
- Farzin S, Barzegar Bafrooe K, Zare M. (2019). The Comparison of Critical Thinking, Metacognitive reading Strategies and Academic Delay of Gratification in Student- Teachers according to Gender and Feild of Study. *Educ Strategy Med Sci*; 11 (5) :101-111. (In Persian)
- Fallah, M. (1997). Survey of the level of political awareness of Shahed University students, Master's thesis, Faculty of Humanities, Shahed University. (In Persian)
- Findings of the National Survey of Iranian Values and Attitudes; Third Wave 2015 (2016). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Culture, Art and Communication Research Institute, National Projects Office. (In Persian)
- Gambetta, D., Hertog, S. (2009). "Why Are There So Many Engineers among Islamic Radicals?" *European Journal of Sociology* 50, 2: 201–30.
- Gambetta, D., Hertog, S. (2016). *Engineers of Jihad: The Curious Connection between Violent Extremism and Education*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Gafari hashjin, Z. , Beiginia, A. A. and Ghatei, A. (2011). The Effective Factors in Political Participation of Political and Engineering Students of Tehran University. *Journal of Political Knowledge*, 6(2), 207-240. (In Persian)
- Gambetta, D., Hertog, S., Rose, M. (2016). Terrorist Engineers: Why Are Many Members of Radical Islamic Groups Among Engineering Graduates? *Mehrnameh*, translated by Mohammad Hossein Baghi, 7, 46: 80-90. (In Persian)

- Green, Thomas, H. (2008). Contemporary Revolutionary Movements: In Search of a Theory of Revolution, translated by Rashid Shayganpour, Tehran: Rashesh Publishing. (In Persian)
- Hillygus, DS. (2005). the missing link: Exploring the relationship between higher education and political engagement. *Political Behavior* 27(1): 25–47.
- Hajipour sarduie, S. (2017). The study of electoral behavior of tehran citizens – case study: tehran city council. *research letter of political science*, 12(3), 61-10.
- Heidarabadi A, salehabadi A. The Educational development and electoral participation in Iran. *scds* 2014; 3 (2) :81-111. (In Persian)
- Heidarabadi, A. and Salehabadi, E. (2020). Religiosity and Voter Turnout in Iran (A Case Study of the Presidential Elections during 2001-2017). *Religion & Communication*, 27(1), 229-266. (In Persian)
- Huntington, S. (1996). Political Order in Changing Societies, translated by Mohsen Salasi, Tehran: Alam Publishing. (In Persian)
- Ibrahimpour, D. (2019). The Relationship between Media Consumption with Political Socialization of Students of Islamic Azad University of Tabriz Branch. *Communication Research*, 26(99), 149-183. (In Persian)
- Ibn Khaldun, A. (1996). Introduction to Ibn Khaldun, translated by Mohammad Parvin Gonabadi, Tehran, Scientific and Cultural, (2-volume series). (In Persian)
- Jafarian, R. (2006). Urban Understanding of the Constitutional Revolution; Comparison of Constitutionalist Areas in Isfahan and Tabriz, Tehran: Institute of Contemporary History Studies. (In Persian)
- Jafarynezhad, M. , Kalantari, S. and Noormohammadian, M. (2009). Study of the Occupying Women's Political Participation in Education Office, District. *Journal of Applied Sociology*, 20(1), 83-104. (In Persian)
- Javadzadeh (Jahanshah Lu), A. (2004). A study of four theories in analyzing the political differences between Shiite jurists in the Constitutional Movement, *Amuseh Quarterly*, 5, 185-233. (In Persian)
- Khalkhali A, Sadooghi M. (2008). The effect of critical thinking training on students' academic achievement, *J Manage*; 19(3):103- 19.
- Krueger, Alan, B., Jitka, M. (2003). Education, Poverty and Terrorism: Is There a Causal Connection? *Journal of Economic Perspectives*, 17 (4): 119-144.
- Khormaei, F. & Azadi dehbidi, F. (2017). A comparative study of students' thinking styles in different academic majors of Shiraz University. *Journal of Curriculum Research*, 6(2), 88-100. (In Persian)

- Khajeh Ali Jahanteghi, Z. (2020). The relationship between information literacy and the field of study of students of Marvdasht Branch of Azad University. *Management and Educational Perspective*, 1(2), 55-69. (In Persian)
- Karimi, A. , Babaei, M. and Ahmadi, P. (2020). Political Attitudes of Students and Social Factors Affecting it (Study of Students of Universities in Tehran). *Social Studies and Research in Iran*, 9(1), 235-262. (In Persian)
- Karimifard, H., Sajidifar, N., Ghazlavy, A., Loimi, A.A. (2017). Study of factors affecting students' political participation (Case study: students of Islamic Azad University of Ahvaz in 2017), *Khuzestan Police Science Quarterly, Applied Research Office of Khuzestan Provincial Police Command*, 6, 21: 157-194. (In Persian)
- Kafashi, M., Navabakhsh, M., Pashazadeh-Azari, F. (2010). Studying the effect of social factors on the level of political participation of students at Islamic Azad University, Roudehen Branch in the academic year 2009-2010, *Social Research*, 3, 7: 73-96. (In Persian)
- Lacoste, Y. (2007). Ibn Khaldun's Worldview, translated by Mehdi Mozaffari, Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Lee, A. (2011). who becomes a terrorist? Poverty, education, and the origins of political violence. *World Politics* 63(2): 203-245.
- Maleki, B. (2005). The effect of teaching cognitive and metacognitive strategies on increment of learning and recording of different textbooks, *Cogn Sci Stud*, 7(3):42-50
- Masoudnia, H., Moradi, G., Mohammadifard, N. (2009). The effect of students' political awareness on changing their attitude towards the legitimacy of the political system based on Weber's theory: A case study of Isfahan University. *Research Letter of Political Science*, 4, 4 (16): 201-230. (In Persian)
- Memar, R. (2012). *Sociology of Political Participation*, Tehran: Amirkabir Publishing Institute. (In Persian)
- Molaei, M. R. (2018). The role of political trust and knowledge in prediction of students' interest to political participation. *Journal of Political Knowledge*, 14(1), 141-163. (In Persian)
- Milbreth, L., & Goel, L. (2008). *Political Participation*, translated by Seyyed Rahim Abolhasani, Tehran: Mizan. (In Persian)
- Norris, P., Inglehart, R. (2004). *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide*, Cambridge Studies in Social Theory, Religion and Politics, Cambridge University Press.

- National Survey of Iranian Values and Attitudes (Country Report), Third Wave (2015). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, National Projects Office. (In Persian)
- National Projects Office of the Ministry of Culture and Islamic Guidance in cooperation with the University of Tehran (2017), National Survey of the Social, Cultural and Moral Status of Iranian Society, Provincial Report (426 volumes) (2017), Tehran: Publisher: Research Institute of Culture, Art and Communication. (In Persian)
- Nasseri, M. , kaveh, F. and rabbani, A. (2017). Investigation of How Students View Religion (A Model Based on Grounded Theory, Case Study: Students of University of Isfahan). *Journal of Applied Sociology*, 27(4), 79-98. (In Persian)
- Nourbakhsh, Y. , talebian, H. and Mowlaei, M. M. (2014). Relation of University Variables and Students Attitude towards the Religion. *Social Studies and Research in Iran*, 3(1), 33-60. (In Persian)
- Norris, P., & Inglehart, R. (2010). Sacred and Secular: Religion and Politics in the World: An Exploration of Religious and Secular Societies of the World. Translated by Maryam Wetter. Tehran: Kavir. (In Persian)
- Ostovar, S., Abedi, M. (2016). The comparison of motivational beliefs and self-regulatory learning strategies in conditional and normal students, *J Educ Psychol Stud*, 13(24):1-20.
- Plato (1995). Republic, translated by Fuad Rouhani, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Palizban, m. (2011). student's interest in political participation and its effective factors. *political quarterly*, 41(2), 33-49. (In Persian)
- Rose, M. (2015). "Immunising the Mind: How can Education Reform Contribute to Neutralizing Violent Extremism? British Council, in site: https://www.britishcouncil.org/sites/default/files/immunising_the_mind_working_paper.pdf
- Rose, M. (2017). University and radicalization in the middle East an north Africa, *Turkish Journal of Security Studies*, Volume: 19 (2):49 – 62.
- Rose, Martin (2015), Immunising the Mind: How can Education Reform Contribute to Neutralizing Extremism? British Council. In site: https://www.britishcouncil.org/sites/default/files/immunizing_the_mind_working_paper.pdf
- Rush, M. (1998). Society and Politics, translated by Manouchehr Sabouri, Tehran: Samt Publications. (In Persian)
- Rabbani, M. (1990). Investigating the Effect of Ethnic Identity on Political Participation: A Case Study of Tehran University Students, Master's Thesis, Political Science, University of Tehran. (In Persian)

- Rajabzadeh, A. (1997). Sociology of Development: A Comparative-Historical Study of Iran and Japan, Center for Basic Research. (In Persian)
- Rajabzadeh, A. (1998). A Sociological Analysis of the Development and Continuity of the Islamic State in Iran and the World, *Nameh-e-Phaezhouq*, 8, 49-76. (In Persian)
- Rajabzadeh, A. (2002). Religion and University in Iran, *Baztab Andisheh*, 30, 32-39. (In Persian)
- Ramezani, M. (2010). The Impact of the Social Base of the Iranian Cabinet of Ministers on Government Macro-Strategic Decision-Making 1989-2019, Master's Thesis, Political Science, Department of Political Science, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University of Qazvin. (In Persian)
- Shariati, A. (1978). *Ijtihad and the Theory of Permanent Revolution*, Tehran: Nazirchap. (In Persian)
- Soroush, L., Yazdkhasti, B., & Soroush, S. (2014). Sociological Analysis of Political Participation of Shiraz University Students, First National Conference on Sustainable Development in Educational Sciences and Psychology, Social and Cultural Studies, Tehran, <https://civilica.com/doc/321026>. (In Persian)
- Shahriari, H. (2016). The Comparative Analysis of Political Attitude of Human Science Students; Case Study: Tehran University Students. *Journal of Political Knowledge*, 10(2), 63-101. (In Persian)
- Shahriari, H. (2015). Political Participation of Human Science Students with other Student's Field of Study (Case study: Tehran University Students). *Political and International Approaches*, 5(4), 163-189. (In Persian)
- Shahriari, H. (2011). A Study of the Relationship Between the Field of Study and Political Orientation (Case Study: Students of the University of Tehran), Master's Thesis, Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. (In Persian)
- Salehabadi, A. (2020). Analyzing and Explaining Electoral Preferences Based On Class. *Ferdowsi University of Mashhad Journal of Social Sciences*, 16(2), 345-311. (In Persian)
- Salehabadi, A. (2020). Education, Political Culture and Electoral Participation. *Journal of Applied Sociology*, 31(1), 65-90. (In Persian)
- Salehabadi, E. (2020B). Occupation and Election Participation. *Iranian Journal of Sociology*, 21(1), 146-175. (In Persian)

- Statistical Center of Iran (2006). Selected Results of the General Population and Housing Census 2006, Presidency, Planning and Budget Organization. (In Persian)
- Statistic Center of Iran (2016). Selected Results of the General Population and Housing Census 2016, Presidency, Planning and Budget Organization. (In Persian)
- Tasmami-Khaydi, A. (2009). Factors affecting political participation of university political and technical science students, Master's thesis, Shahed University of Tehran. (In Persian)
- Tilley, Ch. (2006). Does Modernization Cause Revolution?, in "Theoretical, Comparative, and Historical Studies in Revolutions," edited by Jack Goldstone, translated by Mohammad Taghi Delforuz, Tehran: Kavir Publications. (In Persian)
- The Council of Public Culture of the Country (2012). Plan to Study and Measure the Indicators of Public Culture of the Country (Non-Registered Indicators), Tehran: Ketab Nashr Publishing Institute. (In Persian)
- Values and Attitudes of Iranians (First Wave), Survey Findings in 28 Provinces of the Country (2001), Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Office of National Projects. (In Persian)
- Values and Attitudes of Iranians (Second Wave), Survey Findings in 28 Provinces of the Country (2003), Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance, Office of National Projects. (In Persian)
- Yaghoubi, A., Mohagheghi, H., & Mottaqian, M. (2013). The role of gender, field of study and time management in predicting verbal creativity of students at Bu Ali Sina University, *Innovation and Creativity in the Humanities*, 3, 1: 35-54.
- Zaree, H., Marandi, A. (2011). The relationship between learning strategies of problem solving styles with academic achievement, *J Educ Sci Stud*; 6(3):109-28.
- Zahed, S. S. and Sadeghi, A. (2009). A Survey on the Affect of the Field of Study on the Religiosity of Different. *Journal of Applied Sociology*, 20(3), 75-96. (In Persian)
- Zeira, Y. (2019), from the schools to the streets: Education and anti-regime resistance in the West Bank, *Comparative Political Studies* 52(8): 1131–1168.
- Zareei, A. and beheshti seresht, M. (2020). The effect of the history of representation, constituency and field of study on the supervisory performance of the members of the Islamic Consultative Assembly (first to tenth terms). , 9(33), 149-177. (In Persian)

- Zareei, A. and Fozi, Y. (2017). Analysis of political, social and professional contexture of Islamic Consultative Assembly's representatives; first to five periods. *Contemporary Political Studies*, 7(22), 93-124. (In Persian)
- Zayyari, K. , Mohamadi, A. and Atar, K. (2012). Evaluation of cities development degree and its relationship with the rate of urbanization. *Spatial Planning*, 1(3), 1-16. (In Persian)
- Zorofi, M. (2013). Investigating the relationship between social acceptance and social skills among students of Shabestar Islamic Azad University, *Sociological Studies*, 5, 19: 91-110. (In Persian)
- Zareei, A., & Fozi, Y. (2017). Analysis of political, social and professional contexture of Islamic Consultative Assembly's representatives; first to five periods. *Contemporary Political Studies*, 7(22), 93-124. (In Persian)

Field of study and political participation

Introduction

There has been no independent research on the effect of academic field on activity, political behavior in general, political participation in particular, electoral orientation and preference in particular. The researchers conducted in the field of elections have provided general and general information about the influence of the field of study on political and electoral participation. The researches conducted in the field of elections have provided general and general information about the influence of the field of study on political and electoral participation. In these studies, influencing mechanisms are less mentioned and the effect of education is examined and analyzed as the effect of university. Based on this, the main function of the university, which is teaching science, is considered as a variable affecting electoral participation and preference. Based on this, the main function of the university, i.e. science education, is considered as a variable affecting electoral participation and preference. In this view, scientism as a product of the university along with other human knowledge (knowledge that comes from other institutions such as schools and seminaries and the church is obtained) is looked at and its effects on political behavior are analyzed.

Methodology

The research method of the article is a comparative method within the country. In this method, they compare the social units (here time-spatial units) of the study. In the collection of information, the library review technique including books, articles, researches, theses and secondary (second-hand) documentary data resulting from holding the presidential elections during two periods (1382 and 1392) and other documentary data from relevant sites have been used. The intended statistical population includes all documentary data in the cities of the country. The unit of analysis is "year-city", which are socio-political units with well-defined geographic boundaries and characteristics of a political entity (i.e. having political authority or governorship) and social. The elections of the Islamic Council cannot be investigated at this level due to the interference of ethnic, cultural and regional trends.

Results

The relationship between the field of health education and the rate of electoral participation is inverse and with the increase of this field among all the people of the city (educated, students, employed and unemployed), the invalid votes increase. The field of health studies has a reformist and anti-fundamentalism tendency. There is no specific and significant relationship between the agricultural field of study and electoral participation and preference. The relationship between engineering field of study and the amount of electoral participation is inverse and with the increase of this field among all the people of the city (students, working and unemployed), the invalid votes increase. The field of health studies has a reformist and anti-fundamentalism tendency. The relationship between the field of study in engineering and the level of electoral participation is direct. The engineering field of study has a fundamentalist and anti-reformist tendency. The relationship between the mathematics field of study and the amount of election participation in 2018 and 2019 is inverse and significant, and with the increase of this field, the number of invalid votes decreases among all people in the society. The field of mathematics has a reformist and anti-fundamentalist tendency.

The relationship between the field of study of social sciences and the amount of direct electoral participation and with the increase of this field among all the people of the city (students, working and unemployed), the number of invalid votes increases. The field of study of social sciences has the tendency of fundamentalism and anti-reformism. The relationship between the field of study of humanities and the amount of electoral participation is inverse and with the increase of this field among all the people of void votes city, it increases. The field of study of humanities has the tendency of fundamentalism and anti-reformism. The relationship between the field of study of humanities and the amount of electoral participation is inverse and with the increase of this field among all the people of void votes city, it increases. The educational field of educational sciences has a tendency towards reformism and anti-fundamentalism.

Conclusion

Further analysis showed that the effect of the field of study on participation and political behavior interacts with other factors such as the level of religiosity, the level of tolerance, the level of satisfaction, the level of membership in groups, local participation, sense of security, class perception and level of education, etc.

Keywords: field of study, elections, electoral preference, reformism, fundamentalism, Iran.